مهمانداري در اسلام

نويسنده : نور مراد محمدي

تذکراین کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکة الامامین الحسنین عليهما‌السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.

# مقدمه

الحمدلله الاول فلا شى‏ء قبله، و الآخر فلا شى‏ء بعده، و الظاهر فلا شى‏ء فوقه، والباطن فلا شى‏ء دونه، (١) و الصلاة و السلام على رسوله وآله الطاهرين.

اصولا هر آنچه در جامعه بشرى از ارزش و اهميت والايى برخوردار است،انديشه‏اى است كه ريشه در اعتقادات، سنت‏ها وباورهاى مردم دارد و در بين سايرجوامع زبانزد عام و خاص است.

آنچه موضوع بحث و مشترك بين تمامى جوامع است، مهماندارى است، كه اززمان‏هاى بسيار دور و در ميان تمام ملل و اقوام مختلف وجود داشته است و همه‏انسان‏ها با هر خصوصيت و تيره و نژادى، در هر منطقه دنيا كه زندگى مى‏كنند، اين‏خصيصه را در جان و دلشان ثبت كرده و اين كار پسنديده را ارج مى‏نهند و به آن عمل‏مى‏كنند.

اين خصلت‏بسيار خوب و نيك، با ظهور دين مقدس اسلام در بين جوامع و پذيرش‏آن از طرف مردم براى هميشه ثبت و جاودانى شد و دين مبين اسلام، اين خصلت نيك‏را تاييد و بر آن تاكيد كرد.

آداب و چگونگى پذيرايى از مهمان در جوامع متعدد، مختلف است و در هرجامعه‏اى به نوعى، از مهمان پذيرايى مى‏كنند كه بعضى از آن مطابق شرع مقدس اسلام‏است و برخى ديگر مخالف با فرمان‏هاى انسان‏ساز الهى است.

از باب نمونه، در بعضى از جوامع غير اسلامى بهترين پذيرايى از مهمان، اين است‏كه جام شرابى را به وى تعارف كنند و او نيز براى قدردانى از ميزبان جام را سر بكشد،كه اين‏گونه پذيرايى از نظر اسلام مردود، بلكه حرام است.

خداوند تبارك و تعالى براى مهمان و ميزبان ارزش زيادى قايل‏شده و براى آنهاپاداش‏هاى بسيار زيادى در نظر گرفته است; هم براى مهمان كه به خانه برادر دينى‏اش‏مى‏رود و با او ديدار كرده و در خانه او غذا مى‏خورد و هم براى ميزبان كه از او پذيرايى‏مى‏كند و غذا و امكانات رفاهى را در اختيار او قرار مى‏دهد اگر انسان بعد از انجام‏واجبات و ترك محرمات، جز مهماندارى عمل نيك ديگرى را انجام نداده باشد،خداوند به‏واسطه همين عمل، او رابه بهشت مى‏برد.

ما، در اين نوشتار با عنايت‏به مطالب فوق و عجين شدن اين سنت‏حسنه با آيين ناب‏و سرنوشت‏ساز اسلام، به بحث و بررسى درباره آيين مهماندارى پرداخته و با بيان‏احاديث جذاب و نورانى و ذكر حكايات و لطيفه‏هاى شيرين، مسايلى از قبيل فضيلت‏مهماندارى و ثمرات آن و همچنين وظايف مهمان و ميزبان و آداب مهمانى را به‏طورمفصل بيان خواهيم كرد.

اميدواريم تمامى خانواده‏هاى عزيز و مهماندوست‏با رعايت دستورهاى دين وعمل كردن به فرمان‏هاى اهل بيت اطهار عليهم‌السلام در مورد پذيرايى از مهمان، به ثمرات‏دنيوى و اخروى آن دست‏يابند و به اين وسيله دنيا و آخرت خود را آباد كنند.

بنده با اطمينان عرض مى‏كنم با يك بار خواندن اين كتاب، مجذوب آن‏خواهيد شد، زيرا محتواى آن پرده از سنتى زيبا و حسنه و رايج در بين هموطنان مابرمى‏دارد، كه متاسفانه تاكنون كسى در اين‏باره به تحقيق نپرداخته است.

از تمامى خوانندگان محترم و صاحب‏نظران عزيز انتظار دارم نظريات اصلاحى‏خويش را به نشانى ناشر ارسال دارند، تا در چاپ‏هاى بعدى مورد توجه قرار گيرد. درپايان، از همسرم كه با تحمل سختى‏ها و كمبودهاى زندگى، مرا در تاليف اين كتاب‏يارى كرد، تشكر مى‏كنم. والحمدلله رب العالمين و العاقبة للمتقين.

تيرماه ١٣٧٨

نورمراد محمدى

# بخش اول: فضيلت مهماندارى

يكى از صفات بسيار پسنديده كه اگر در هر فرد وجود داشته باشد،فضيلتى بزرگ محسوب مى‏شود مهماندارى و مهماندوستى است.

تمامى پيامبران به اين صفت زيبا و پسنديده آراسته بودند و يكى ازصفات بارز آنان مهماندوستى بود. ما هيچ پيامبرى را سراغ نداريم كه ازمهمان روگردان بوده باشد.

بعضى از پيامبران اگر شب در منزل مهمان نداشتند، لب به غذا نمى‏زدند وگرسنه مى‏خوابيدند!

## حكايت ميزبانى حضرت ابراهيم‏عليه‌السلام

حضرت ابراهيم‏عليه‌السلام يكى از پيامبران عظيم‏الشان بود كه هيچ‏وقت‏بدون‏مهمان غذا نمى‏خورد و لب به غذا نمى‏زد. از قضا روزى مهمان براى‏آن حضرت نرسيد و او گرسنه بود. از خانه به جست‏وجوى مهمان‏بيرون آمد. ديد در صحرا جماعتى در حال سفرند.

حضرت ابراهيم‏عليه‌السلام خود را به آنها كه پانزده نفر بودند، رساند و آنها را به‏مهمانى دعوت كرد.

آنها گفتند: ما گروهى كارگر بيچاره هستيم. هر يك از ما اطفال و عيال‏زيادى داريم. هر گاه خود مهمان شويم، اهل و عيال ما گرسنه خواهند ماند.

حضرت ابراهيم فرمود: اجرت عملگى شما را نيز خواهم داد. به هر حال‏آنها را راضى كرد و به خانه آورد و مهمان نمود.

وقتى كارگران در ضيافت‏شركت كردند و اجرت هم گرفتند، با خودگفتند: حقيقتا دين ابراهيم بر حق است; زيرا مهمان مى‏كند و اجرت هم‏مى‏پردازد.

در همان ساعت نزد حضرت ابراهيم ايمان آوردند و به سوى خانواده خودبرگشتند. (٢) .

## پذيرفتن دعوت مؤمنان

تمامى مؤمنان وظيفه دارند در حد توان، ديگران را به مهمانى دعوت كنندو اگر كسى آنها را به مهمانى دعوت كرد، بپذيرند; هرچند مسافت دور باشد ومشقت داشته باشد.

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: به حاضران و غائبان امتم وصيت‏مى‏كنم: دعوت برادر مسلمان خود را اجابت كنند; حتى اگر مسافت آن‏پنج ميل باشد، چون اين عمل جزء ايمان شما است. (٣) .

حضرت امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: يكى از حقوق مؤمن بر برادرمؤمنش اين است كه دعوت او را اجابت كند. (٤) .

نپذيرفتن دعوت برادر مؤمن ظلم و پايمال‏كردن حق او است، در حالى كه‏اداى حقوق برادر مؤمن واجب است و انسان فرداى قيامت‏بايد جوابگوباشد.

رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: اگر شخصى برادر دينى‏اش را به غذايى دعوت‏كند و او نپذيرد، در حق او ظلم كرده است. (٥) .

وقتى كسى رسول گرامى اسلام را به مهمانى دعوت مى‏كرد، مى‏پذيرفت وبه مهمانى مى‏رفت; حتى اگر ميزبان او غيرمسلمان بود، و از اين راه مردم راارشاد مى‏كرد و به دين اسلام دعوت مى‏فرمود.

## حكايت دعوت به دين در مهمانى

در زمان رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله در ميان مشركان شخصى به نام «عقبه‏» بود. وى‏مردى سخى و بلند نظر بود. هر وقت از سفر برمى‏گشت، سفره مفصلى ترتيب‏مى‏داد و دوستان و بستگانش را به مهمانى دعوت مى‏كرد. در همان حال كه درصف مشركان بود، دوست داشت پيامبر اكرم‏صلى‌الله‌عليه‌وآله را مهمان كند.

او در مراجعت از يكى از مسافرت‏هايش، سفره گسترده‏اى ترتيب داد وجمعى از جمله رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله را دعوت كرد.

دعوت شدگان به خانه او آمدند و كنار سفره غذا نشستند. پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله ‏نيزوارد شد و كنار سفره نشست، ولى دست‏به غذا نزد.

عقبه از حضرت پرسيد: چرا غذا ميل نمى‏فرماييد؟!

پيامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: من از غذاى تو نمى‏خورم، مگر اين‏كه به يكتايى خداوندو رسالت من گواهى دهى!

«عقبه‏» چون خيلى به آن حضرت علاقه داشت و نمى‏خواست كسى‏گرسنه از كنار سفره او برخيزد، به يكتايى خداوند عزوجل و رسالت‏پيامبر اكرم‏صلى‌الله‌عليه‌وآله گواهى داد و به اين ترتيب اسلام را قبول كرد. اما متاسفانه‏به‏خاطر همنشين بد، از دين اسلام برگشت و مرتد شد و در جنگ احدبه هلاكت رسيد. (٦) .

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اگر مؤمنى مرا به [خوردن] شانه گوسفندى‏دعوت كند، دعوت او را اجابت مى‏كنم، چون اين عمل جزو ايمان است. (٧) .

## نشانه ايمان است

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: از جمله چيزهايى كه رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله به‏فاطمه زهراعليها‌السلام ، تعليم داد، اين بود: كسى كه به خدا و روز قيامت ايمان دارد،بايد مهمانش را اكرام كند. (٨) .

وقتى انسان، اين موجود ضعيف آن‏قدر سخاوت داشته باشد كه همنوعانش‏را دعوت كند و از حاصل دسترنجش به آنها بخوراند، خداوند تبارك و تعالى‏كه سخى‏ترين بخشندگان است، چگونه فرداى قيامت‏با مهمانانش رفتارخواهد كرد.

## حكايت ملكشاه و روستايى

آورده‏اند: روزى ملكشاه آلب ارسلان به شكار رفته بود. به دهى از نواحى‏نيشابور رسيد و گرسنگى بر وى غالب شد، مردى را ديد كه كشت‏خود را آب‏مى‏داد.

نزديك رفت و پرسيد: اى روستايى! آيا آب ونان همراه دارى؟

كشاورز گفت: دارم، ولى نه براى تو!

سلطان گفت: ياوه مگوى! اگر دارى دو سه تا به من بده.

روستايى جواب داد: ياوه تو مى‏گويى كه به من مى‏گويى نان بده!

سلطان دانست‏سختى و درشتى در وى تاثير ندارد. از اين رو كارد خود رااز ميان باز كرد و گفت: اين را بگير و چند عدد نان بده.

روستايى گفت: به دكان طباخ ببر كه اگر من از سر كشت‏بروم و فرار كنم،از كجا مرا مى‏يابى؟!

سلطان گفت: اين كارد را به تو مى‏بخشم.

روستايى جواب داد: بهتر از اين چيزى ندارى كه به من ببخشى؟ يادست ازسر من بردارى؟!

سلطان ناراحت‏شد و خواست‏برود. روستايى عنان اسب او را گرفت‏و بوسه داد و گفت: مرا ببخش، چون با تو شوخى مى‏كردم! او را فرود آوردو دويد جامى آب حاضر كرد و بره شير مستى را ذبح كرد. آتش افروخت‏و كباب كرد و براى او حكايت‏هاى مضحك مى‏گفت وسلطان مى‏خنديد.

چون لشكر از دنبال او برسيد، روستايى دانست او سلطان است.سر در پيش افكند و به كار خود مشغول شد.

وقتى سلطان غذا خورد، به او گفت: بايد به درگاه ما بيايى تا حق تو رابه جاى آورم! روستايى گفت: ما در عهد سلطان جهان آسوده‏ايم و اين‏قدر خدمت،ارزش ندارد كسى مكافات آن كند و ما عادت نكرده‏ايم از مهمان مزد بستانيم.

سلطان از آن سخن بسيار خوشش آمد و انتظار كشيد تا شايد روستايى‏به خدمت او بيايد، اما خبرى نشد، روستايى بعدا هم به هيچ كس نگفت‏سلطان مهمان او بوده است. (٩) .

## ثواب مهماندارى نزد خدا

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: هر كس مسلمانى را سير گرداند، جزپروردگار عالم هيچ يك از مردمان و فرشتگان مقرب و پيامبران نداننداجر و پاداش او در قيامت چقدر خواهد بود.

سپس فرمود: از جمله چيزهايى كه سبب آمرزش خواهد شد، سير كردن‏مسلمان گرسنه است. (١٠) .

## حكايت مهمان‏نوازى باديه نشين

ابوالحسن مى‏گويد: روزى جمعى با امام حسن مجتبى‏عليه‌السلام به حج مى‏رفتندو زاد و توشه آنها از پيش رفته بود. آنها گرسنه و تشنه شدند. ناگاه از دورخيمه كهنه‏اى را ديدند. به آن‏جا رفتند. زنى پير در آن‏جا نشسته بود. به اوسلام كردند.

زن باديه نشين پيش دويد و ايشان را اكرام كرد و گوسفندى بسته داشت.فورى آن را دوشيد و شيرش را پيش مهمانان آورد و گفت: اين شير رابنوشيدو گوسفند را ذبح كنيد و طعام سازيد. مهمانان چنان كردند و بعد از غذا به‏پيرزن گفتند: ما از طايفه قريشيم. وقتى بازگرديم، بايد به نزد ما بيايى تاپاداش احسان تو را بدهيم.

اين را گفتند و حركت كردند. شب كه شد، شوهرزن از صحرا آمد و گوسفند را نديد.

زن ماجرا را به او گفت. مرد خشمگين شد و گفت: در دنيا يك گوسفندداشتى و آن را به قومى دادى كه ايشان را نمى‏شناختى!

زن گفت: اگر ايشان را مى‏شناختم، بازرگان بودم، نه ميزبان. ميزبان آن‏است كه طعام به كسى دهد كه او را نشناسد.

بعد از چند روز، زن و شوهر از محنت فقر و فاقه به مدينه رفتند. پيرزن‏به كوچه‏اى داخل شد. امام حسين‏عليه‌السلام كنار در منزل ايستاده بود. آن زن‏راشناخت و به او فرمود: اى زن! آيا مرا مى‏شناسى؟

زن گفت: نه.

حضرت فرمود: من آنم كه آن روز مرا به شير و گوسفند مهمان كردى.امام به او هزار گوسفند و هزار درهم بخشيد و او رانزد امام حسن‏عليه‌السلام برد.حضرت پرسيد: برادرم به تو چقدر كمك كرد؟

گفت: اين‏قدر گوسفند و درهم.

امام حسن‏عليه‌السلام دو برابر آن را به زن داد و او رابه نزد عبدالله جعفر فرستاد.او از زن پرسيد: ايشان به تو چقدر دادند؟

گفت: هريك اين مقدار گوسفند و درهم.

عبدالله دو هزار گوسفند و دو هزار درهم به او داد و گفت: اگر تو از اول‏به نزد من مى‏آمدى، تو را مستغنى مى‏كردم.

آن زن و شوهر به خاطر يك گوسفند كه در دنيا داشتند و آن را براى‏مهمان ذبح كردند، با چهار هزار گوسفند و چهار هزار درهم بازگشتند. (١١) .

انسان در مهماندارى و پذيرايى از مهمان نبايد خساست‏به خرج دهد،بلكه در حد توان خود بايد پذيرايى كند، چون مهمان حبيب خدا است. خداى‏متعال فرداى قيامت‏به كسى كه عزيزش راخدمت كرده است، آن‏قدر نعمت‏مى‏دهد كه تمامى مردم حسرت حال او را مى‏خورند. در آن روز است كه‏انسان افسوس مى‏خورد اى كاش تمام اموالم را براى مهمان خرج مى‏كردم وتمام وقتم در پذيرايى از مهمان مى‏گذشت، تا الآن جزو زيان‏كاران نباشم.

## مهماندارى در جوامع مختلف

مهماندارى و مهمان‏نوازى يكى از صفات برجسته هر خانواده، شهر و ياكشور است، وقتى كسى مى‏خواهد از خوبى‏هاى شخصى ياد كند، مى‏گويد: آدم‏مهمان‏نوازى است و يا مى‏گويد: مردم فلان شهر، آدم‏هاى مهماندوستى هستندو از مهمان، خوب پذيرايى مى‏كنند.

مهمان‏نوازى از سجاياى برجسته اخلاقى است و ملت‏هايى كه بهره‏بيشترى از اين سجيه اخلاقى دارند، به آن مباهات و افتخار مى‏كنند.

يكى از صفات برجسته بت‏پرستان زمان جاهليت كه اسلام نيز آن راتاييد كرده و زبانزد خاص و عام بوده و هست، مهماندوستى و مهماندارى آنهاء;كبوده است; حتى بعضى از طوايف عرب شب‏ها آتش در صحرا روشن مى‏كردندتا اگر غريبه‏اى وارد منطقه‏شان شد، آتش را ببيند و به مهمانى آنها برود.

اعراب به افرادى كه زياد براى آنها مهمان مى‏آمد صفاتى را نسبت‏مى‏دادند; مثلا مى‏گفتند: «فلانى كثير الرماد است‏» يعنى خاكستر خانه‏اش زياداست; كنايه از اين كه چون مهمانش زياد است، پخت و پز بسيار دارد و درنتيجه خاكستر خانه‏اش زياد است.

يا مى‏گفتند: فلانى حياط خانه‏اش در ندارد; كنايه از اين‏كه چون مهمان‏زياد به خانه‏اش رفت و آمد مى‏كند، گويا براى رفاه حال مهمانان، براى‏خانه‏اش در نگذاشته است.

يا مى‏گفتند: سگ‏هاى خانه فلانى زيادند; كنايه از اين‏كه، چون پخت و پززياد دارد، سگ‏ها براى چرب كردن دندان به آن‏جا مى‏آيند.

اين قبيل اوصاف هنوز در بين آنها مرسوم است.

افراد غريبه‏اى كه از كشورهاى ديگر به مملكت ما سفر مى‏كنند و اين‏جارا با ممالك خود مقايسه مى‏كنند، يكى از صفات برجسته مردم كشوراسلامى ما را مهمان‏نوازى مى‏دانند. آرى، ايرانيان چون از امامان خودسر مشق مى‏گيرند و به دستورهاى آنان عمل مى‏كنند، مهمان‏نواز هستند.

در هيچ جاى كشور ما نمى‏توان شهر، روستا و حتى خانواده‏اى را پيدا كردكه از مهمان بدش بيايد. صائب تبريزى در اين باره چه زيبا سروده است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خانه‏اى از خانه آيينه دارم پاك‏تر  |  | هر چه هر كس آورد، با خويش مهمانش كنم  |

خداوند تبارك و تعالى در حديث قدسى مى‏فرمايد: اى فرزند آدم!مالى كه در دست تو است، مال من است و تو هم بنده من هستى و مهمانى كه‏براى تو مى‏رسد، فرستاده من است. اگر مال مرا از فرستاده‏ام منع كنى، به‏بهشت من اميد نداشته باش و نخواه تو را به بهشت‏ببرم. (١٢) .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خانه من چون كمان پاك است از اسباب عيش  |  | پر درآرد ميهمان چون تير در كاشانه‏ام  |

«صائب تبريزى‏».

متاسفانه در عصر ما كه عصر ماديگرى است، اين سنت انسانى چنان‏محدود شده كه در بعضى از جوامع غربى تقريبا برچيده شده است. شنيده‏ايم‏هنگامى كه بعضى از آنها به كشورهاى اسلامى سفر مى‏كنند و گستردگى‏مهماندارى و مهمان‏نوازى را كه هنوز در خانواده‏هاى اصيل اين مرز و بوم‏به صورت گرم و مملو از عواطف برقرار است مى‏بينند، شگفت زده مى‏شوندو با خود مى‏گويند چگونه ممكن است افرادى بهترين وسايل موجود در خانه‏و بهترين غذاهاى خود را براى پذيرايى از مهمان‏هايى كه اصلا آنها رانمى‏شناسند و يا گاهى با آنها ارتباط دارند، بگذارند.

## عمل كردن به وصيت پيامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله است

يكى از وصيت‏هاى پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله به حضرت على‏عليه‌السلام اين بود:تو را وصيت مى‏كنم به خوب همسايه‏دارى و اكرام كردن مهمان و پذيرايى‏از آنها. (١٣) . وصيت‏هاى پيامبر گرامى اسلام بر دو گونه است: يكى سفارش‏ها ووصيت‏هاى خصوصى است كه شامل حال ديگران نمى‏شود و فقط منحصر به‏موضوع معينى است و ديگر وصيت‏هايى كه جنبه عمومى دارد كه شامل حال‏تمامى مؤمنان است و همه بايد به آن وصايا عمل كنند تا در دنيا و آخرت‏سعادتمند گردند.

يكى از مواردى كه پيامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله وصيت كرده و جنبه عموميت دارد،مهماندارى است كه بارها حضرت على و فاطمه‏عليهما‌السلام را در جاهاى مختلف به‏آن سفارش كرده است.

## مذمت‏خانه‏اى كه مهمان در آن وارد نشود

اسلام خانه‏اى را كه مهمان داخل آن نمى‏شود و همچنين كسى را كه‏مهماندارى نمى‏كند و از مهمان فرارى است، مذمت كرده است.

يكى از فرق‏هاى اساسى انسان با موجودات ديگر اين است كه او همنوعان‏خويش را در غذا، مسكن و اموال خود شريك مى‏كند، ولى موجودات ديگرمثل حيوانات، همنوعان خود را فرارى مى‏دهند.

رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: هر خانه‏اى كه مهمان در آن واردنمى‏شود، ملائكه نيز داخل آن نمى‏شوند. (١٤) .

ملائكه مايه رحمت الهى هستند و با ورود آنها نعمت نيز وارد مى‏شود.پس هر خانه‏اى كه ملائكه در آن نمى‏آيند، نعمت و بركت نيز از آن خانه‏برداشته مى‏شود.

گويند: روزى حضرت اميرالمؤمنين على‏عليه‌السلام ناراحت و غمگين بود. از اوعلت ناراحتى را سؤال كردند.

حضرت فرمود: هفت روز است مهمان وارد خانه من نشده است! (١٥) .

رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: بدترين غذاها، غذايى است كه افراد سيربه آن دعوت شوند و افراد گرسنه از آن منع گردند. (١٦) .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پى‏نوشتها:

١) نهج البلاغه (ترجمه دكتر شهيدى) ، خ ٩٦ : سپاس خداى را كه اول است و چيزى پيش از او نيست ،و آخر است و پس از او موجودى نيست . برتر است و ازاو بالاتر چيزى نيست ، نزديك است و از اونزديك‏تر چيزى نيست .

٢) آثار و اشعار شيخ بهايى ، ص ١٥٧ ، با اندكى تصرف .

٣) المحاسن ، ج ٢ ، ص ١٨٠ .

٤) همان ، ج ٢ ، ص ١٧٩ .

٥) قرب الاسناد ، ص ١٦٠ .

٦) مجمع البيان ، ج ٧ ، ص ١٦٦ .

٧) المحاسن ، ج ٢ ، ص ١٨٠ .

٨) وسائل‏الشيعه ، ج ١٦ ، ب ٤٠ ، ص‏٤٦٠ .

٩) جوامع الحكايات ، ص ٢١١ ، با اندكى تصرف .

١٠) همان ، ص ٣٠٥ .

١١) جوامع الحكايات ، ص ٢١٣ ، با اندكى تصرف .

١٢) چهل حديث قدسى ، ح ٣٥ .

١٣) بحارالانوار ، ج ٧٤ ، ص ٤١١ ، ح ٢٢ .

١٤) جامع الاخبار ، ص ٣٧٨ ، ح ١٠٥٨ .

١٥) بحارالانوار ، ج ٤١ ، ص ٢٨ ، ح ١ .

١٦) كنزالعمال ، ح ٢٥٨٨١ .

# بخش دوم ثمرات مهماندارى

مهمانى و مهماندارى بركات بى‏شمارى دارد، از جمله ثمرات دنيوى واخروى. ثمرات دنيوى نصيب هر فردى اعم از مؤمن و غير مؤمن مى‏شود وهيچ‏كس از ثمرات آن بى‏بهره نمى‏ماند. اما ثمرات معنوى و اخروى‏مهماندارى مخصوص كسانى است كه نور ايمان و ولايت ائمه اطهارعليهم‌السلام ‏قلب‏هاى آنها را منور كرده باشد.

ما مى‏توانيم با عمل كردن به دستورهاى اسلام و سفارش‏هاى‏معصومان‏عليهم‌السلام در مورد مهماندارى اين ثمرات را براى خود ذخيره كرده و دنياو آخرت خود را آباد سازيم.

ثمرات مهماندارى عبارتند از:

## درخشش صورت

در روز قيامت هر كس هر عملى انجام داده باشد، اثر آن در چهره اونمايان خواهد شد و همه مردم او را از چهره‏اش خواهند شناخت.

كسى كه در دنيا مهمان‏نوازى كرده و مهماندوست‏بوده، در قيامت‏چهره‏اش مانند ماه شب چهارده خواهد درخشيد و به وسيله آن وارد بهشت‏خواهد شد.

حضرت على‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: هيچ مؤمنى نيست كه مهمان را دوست داشته‏باشد، مگر اين‏كه در روز قيامت وقتى از قبر بيرون آيد صورتش مانند ماه‏شب چهارده بدرخشد. كسانى كه او را مى‏بينند، مى‏گويند: آيا پيغمبر مرسلى‏است كه اين‏قدر نورانى‏است! اما در جواب آنها گفته مى‏شود: او پيغمبر و نبى‏نيست، بلكه مؤمنى است كه مهمان را دوست مى‏داشته و او را اكرام كرده‏است و راهى براى او نيست جز اين‏كه داخل بهشت‏شود. (١) .

## بخشيده شدن گناهان و نزول نعمت

معمولا اگر كسى برادر دينى خود را زياد دوست داشته باشد، دنبال فرصتى‏است كه دوستى و محبت‏خود را به او ابراز كند.

يكى از راه‏هاى ابراز علاقه انسان‏ها به يكديگر هديه دادن است. هديه‏دادن به اين معنا است كه من از تو كينه‏اى در دل ندارم. تو در دل من جاى‏دارى و خطاهاى تو را بخشيده‏ام.

خداوند تبارك و تعالى هم اگر بنده‏اى را زياد دوست داشته باشدوبخواهد او را ببخشايد، تا با بار گناه وارد صحراى محشر نشود، از هر راهى‏استفاده مى‏كند. يكى از اين راه‏ها هديه‏اى است كه براى بنده خود مى‏فرستد;بهترين هديه از طرف خدا فرستادن مهمان است. مهمان هديه‏اى است كه‏از طرف خدا مى‏آيد. هديه را بايد با جان و دل قبول واز آن خوب محافظت‏كرد و به آن رسيد.

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: وقتى خداوند عزوجل خير بنده‏اى رابخواهد، هديه‏اى براى او مى‏فرستد.

بعضى از اصحاب پرسيدند: آن هديه چيست؟

فرمود: مهمان است، كه روزى خود را مى‏آورد و گناهان اهل آن خانه رابا خود مى‏برد. (٢) .

چه لطف و هديه‏اى از اين بالاتر كه انسان به‏واسطه مهمان گناهانش‏آمرزيده شود و فرداى قيامت‏بدون گناه در محضر خدا حاضر شود.

متاسفانه خيلى از خانواده هايى كه از مهمان متنفرند، و از مهماندارى‏مى‏ترسند، به اين خاطر است كه مى‏گويند: خرج ما زياد مى‏شود و بچه‏هاى ماگرسنگى خواهند كشيد! و حال آن‏كه طبق روايات، مهمان علاوه بر اين‏كه‏سربار صاحبخانه نيست، بلكه روزى خود و آن خانواده را به همراه مى‏آوردو گناهان آن خانواده به‏واسطه مهمان بخشيده مى‏شود.

حضرت على‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: هيچ مؤمنى نيست كه صداى پاى مهمان رابشنود و به‏واسطه آمدن مهمان خوشحال بشود، مگر اين‏كه گناهانش آمرزيده‏شود; حتى اگر به‏اندازه مسافت‏بين زمين و آسمان باشد. (٣) .

## حكايت زنى كه مخالف مهمان بود

آورده‏اند كه در زمان رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله شخصى بسيار مهماندوست‏بود، ولى‏زنى بسيار خسيس داشت.

آن مرد از ترس اعتراض و فرياد برآوردن زن، از پذيرش مهمان بسياركراهت داشت. از اين رو براى حل اين مشكل روزى خدمت‏حضرت‏رسول اكرم‏صلى‌الله‌عليه‌وآله رفت و كيفيت احوال و ماجرا را تعريف كرد واز ايشان راه‏چاره خواست.

حضرت فرمود: به خانه برو و به آن زن بگو: وقتى مهمان مى‏آيد،از لاى در مهمان‏ها را مشاهده كن و هنگام بيرون رفتن مهمان به پشت‏سرايشان خيره شو و نگاه كن تا ببينى خداوند تبارك و تعالى چه خير و بركتى‏در حق مهماندار عنايت كرده است.

آن مرد به خانه رفت و به زن خود گفت: امروز رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله را بادو سه نفر به مهمانى طلبيده‏ام. بنابراين توقع دارم كج‏خلقى نكنى و بخل رافرو گذارى. حضرت فرموده‏اند: در حال داخل شدن و بيرون رفتن مهمان، آنهارا نگاه كن تا آنچه را خداى تعالى به بركت مهمانى ارزانى داشته است، ببينى.

مرد همسر خود را با هزار عجز و التماس راضى كرد و اسباب ضيافت راتهيه نمود.

چون وقت داخل شدن مهمانان شد، زن از لاى در نگاه كرد و با تعجب‏ديد در دامن مهمانان گوشت و ميوه‏هاى بسيار است و آنان با اين وضع‏داخل منزل شدند.

زن از ديدن اين منظره بسيار خوشحال شد و چون وقت‏بيرون رفتن‏مهمانان شد، باز از همان‏جا نگاه كرد. ديد گزنده‏ها و مار و كژدم‏هاى بسيار،در دامن ايشان آويخته، از خانه بيرون مى‏روند.

زن تعجب‏كنان نزد شوهر آمد و گفت: هنگام ورود و خروج مهمان‏هاچنين چيزى ديدم. تعبير آن چيست؟

مرد گفت: من دليل آن را از رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله خواهم پرسيد.

پس از اين گفت‏وگو، روز بعد مرد به خدمت رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله شرفياب شد وعرض كرد: يارسول الله! عيال من چنين نعمت‏هايى در هنگام داخل شدن‏مهمانان ديده و در وقت‏بيرون رفتن هم مشاهده نموده است كه گزنده‏هابه دامن آنها آويزانند و بيرون مى‏روند!

رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: آن نعمت‏ها بركت‏هايى است كه خداوند عالم‏به سبب مهمانى و ميزبانى ارزانى فرموده و آن گزنده‏ها، گناهان صاحبخانه‏است كه بيرون مى‏رود.

پس از آن، زن چنان راغب مهمان شد كه تمام عمر در مهمانى دادن،به شوهر خود سفارش مى‏كرد. (٤) .

رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: وقتى مهمان بر قومى وارد مى‏شود،روزى او از آسمان نازل مى‏گردد و وقتى از غذاى صاحبخانه مى‏خورد،خداوند گناهان اهل خانه را به سبب نزول مهمان مى‏بخشايد. (٥) .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| رزق ما با پاى مهمان مى‏رسد از خوان غيب  |  | ميزبان ما است هر كس مى‏شود مهمان ما  |

«صائب تبريزى‏».

مراد از گناهانى كه در اين روايت و روايات ديگر آمده كه آمرزيده‏مى‏شوند، گناهانى است كه حق‏الناس نباشند، چون حق‏الناس به هيچ عنوان‏آمرزيده نمى‏شود، مگر اين‏كه انسان آنها را جبران كند و يا صاحب آن از حق‏خود بگذرد و انسان را حلال كند.

با تمام اين احوال كه ميزبان بايد از مهمان پذيرايى كند، غذا وامكانات‏خود را در اختيار او قرار دهد، او را اكرام كند و موجب رنجش خاطر اونشود، باز هم برترى مهمان بر ميزبان بيشتر است! زيرا مهمان با ورودش براى‏اهل خانواده دعا مى‏كند و فراوانى روزى آنها را از خداوند منان مى‏خواهد،در حالى كه ميزبان علاوه بر اين‏كه اين ثمرات را براى مهمان ندارد، مرتب‏غر مى‏زند و آه و ناله او بلند است و با خود فكر مى‏كند مهمان روزى او رامى‏خورد.

حسين بن نعيم صحاف مى‏گويد: امام جعفر صادق‏عليه‌السلام از من پرسيد:اى حسين! آيا برادران دينى‏ات را دوست دارى؟

عرض كردم: آرى.

فرمود: آيا به مستمندان آنان سود مى‏رسانى؟

گفتم: آرى، قربانت گردم.

فرمود: همانا بر تو لازم است كه دوست داشته باشى كسى را كه خدا او رادوست دارد. به خدا قسم! به هيچ‏يك از آنها سود نرسانى جز آن‏كه دوستش‏داشته باشى. آيا آنهارا به منزلت دعوت مى‏كنى؟

عرض كردم: آرى، غذا نمى‏خورم مگر آن‏كه دو يا سه تن يا كمتر يا بيشتراز آنها همراهم باشند.

حضرت فرمود: بااين حال، فضيلت آنها بر تو بيش از فضيلت تو بر آنهااست!

با تعجب پرسيدم: قربانت گردم! غذاى خود رابه آنها مى‏خورانم وآنها راروى فرشم مى‏نشانم و خدمت آنها را مى‏كنم، باز فضيلت آنها بر من بيشتراست؟!

فرمود: آرى، چون هرگاه آنها به منزلت آيند، همراه آمرزش تو و عيالت‏مى‏آيند و چون از منزلت‏بيرون روند، با گناه تو و عيالت‏بيرون مى‏روند. (٦)اسلام شخصيت تازه وارد و مهمان را حفظ كرده و صريحا مى‏گويد: وى‏سربار خانواده نيست، بلكه وى با روزى خود آمده ورحمتى است كه فرستاده‏شده است.

همه مؤمنان بايد خود را در معرض اين رحمت الهى قرار دهند، تا موجب خشنودى خداوند عزيز گردند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هركه را بينى به گيتى، روزى خود مى‏خورد  |  | گر زخوان تو است نانش يازخوان خويشتن  |
| پس تورا منت زمهمان داشت‏بايد بهر آنك  |  | مى‏خورد بر خوان احسان تو نان خويشتن  |

«ابن يمين‏».

## مهمان راهنماى بهشت است.

رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: مهمان راهنماى بهشت است. (٧) .

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: هر كس سه تن از مردم خداشناس راغذا دهد، خداوند تبارك و تعالى او را از سه بهشت كه عبارتند از: فردوس‏اعلى، جنت عدن و طوبى غذا مى‏دهد. (٨) .

آن حضرت در روايت‏شريفه ديگرى مى‏فرمايد: هر كس گرسنه‏اى راسير گرداند، خداوند براى او نهرى در بهشت جارى مى‏سازد. (٩) .

در سير كردن افراد فرقى بين فقير و غنى نيست; يعنى اگر كسى شخص‏گرسنه ثروتمندى را سير گرداند و يا به مهمانى دعوت كند، باز همين ثواب رادارا است، زيرا در بسيارى از روايات وارد شده است: هر كس شكم گرسنه‏اى راسير گرداند، و فرقى نگذاشته‏اند بين اين‏كه آن شخص فقير باشد يا غنى.

امام صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: هر كس شكم گرسنه‏اى را سير گرداند، بهشت‏براو واجب مى‏شود. (١٠) .

## جهنم بر او حرام مى‏گردد

روزى شخصى بر پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله وارد شد و عرض كرد:يا رسول‏الله! من مردى هستم كه خوب وضو مى‏گيرم، نمازم را مرتب‏مى‏خوانم، زكات مالم را به موقع مى‏پردازم و با رضايت‏خاطر مهمان دعوت‏مى‏كنم. حال من فرداى قيامت چگونه است؟

حضرت فرمود: جهنم هيچ راهى بر تو ندارد. اگر واقعا اين‏طور باشى‏خداوند تو را از سختى‏ها نجات مى‏دهد.

## برابر با سير كردن يكصد هزار نفر است

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: هر كس مؤمنى را طعام دهد و قصدش‏نزديكى به خدا باشد، مانند كسى است كه فئامى از مردم را سير گرداند!

ربعى مى‏گويد: از حضرت پرسيدم: معنى «فئام‏» چيست؟

فرمود: يكصد هزار تن از مردم را فئام گويند. (١١) .

ثواب غذا دادن به برادر دينى و دعوت كردن او حتى از غذا دادن به فقراى‏گرسنه بيشتر است، زيرا اين كار علاوه بر اين‏كه عمل كردن به سفارش‏ائمه اطهارعليهم‌السلام است، موجب مى‏شود در قلوب مؤمنان الفت و نزديكى‏بيشترى به وجود آيد و آنها قوى‏تر گردند و در نتيجه عزت و سربلندى اسلام‏بيشتر شود.

پس مؤمن به اين طريق با يك تير دو نشان مى‏زند، در حالى كه‏در صورت اول فقط ثواب مهماندارى را مى‏برد.

## برابر با نجات‏دادن چهارتن از اولاد اسماعيل از اسارت است

امام محمد باقرعليه‌السلام مى‏فرمايد: هر كس چهارتن از مسلمانان را اطعام كند،مانند آن است كه چهار تن از اولاد اسماعيل ذبيح الله را از اسارت نجات‏داده است. (١٢) .

## مهمان‏نوازى در بهشت

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: هر كس گرسنه‏اى را سير گرداند، خداوندبراى وى خوانى در بهشت ترتيب مى‏دهد كه همه خلايق جن و انس از سرآن سفره سير برخيزند. (١٣) .

## سير كردن يك مؤمن بهتر از سير كردن ده مسكين است

امام صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: اگر يك برادر مؤمن را كه براى خدا با اوبرادرى مى‏كنم، سير كنم، بهتر است نزد من از آن‏كه ده مسكين را سير كنم. (١٤) .

## يكى از نشانه‏هاى ايمان است

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: يكى از نشانه‏هاى ايمان، خوش خلقى ومهمانى دادن است. (١٥) .

يكى از دلايلى كه بعضى از مهمان خوششان نمى‏آيد و مهمان‏نواز نيستند،ضعف ايمان آنها است. اگر ايمان انسان قوى باشد و يقين پيدا كند فرداى‏قيامت‏براى مهماندارى چه پاداشى در نظر گرفته شده است، تمام سعى وتلاش او در دنيا اين مى‏شود كه مهماندارى كند.

## حكايت كريم‏تر از حاتم طايى

از حاتم طايى پرسيدند: آيا از خود كريم‏تر ديده‏اى؟

گفت: آرى، روزى در باديه مى‏رفتم، به خيمه‏اى رسيدم. پيرزنى در آن بودو بزى در پس خيمه بسته بودند. وقتى به آن‏جا رسيدم، زال پيش من دويد ومرا خدمت كرد و عنان شتر مرا گرفت تا فرود آمدم.

بعد از چند لحظه‏اى پسر او هم آمد و با بشاشتى هر چه تمام‏تر از حال‏من سؤال كرد.

زن به پسرش گفت: برخيز و به مصالح مهمان قيام نماى و وسايل پذيرايى‏را آماده كن و آن بز را ذبح و طعام درست كن. پسر گفت: اول بروم از صحراهيزم بياورم؟

زن گفت: تا تو به صحرا بروى و هيزم آورى، دير مى‏شود. مهمان راگرسنه داشتن از مروت دور بود!

پس دو نيزه داشت. هر دو را شكست و آن بز راكباب كرد و نزد من آورد.

چون تفحص از حال آنان كردم، جز آن بز چيز ديگرى نداشتند و آن راايثار من كردند.

از زن پرسيدم: مى‏دانى من كيستم؟

زن گفت: نه، نمى‏دانم شما چه كسى هستيد.

گفتم: من حاتمم. بايد به قبيله ما بيايى. در حق شما تكليفى واجب دارم وبايد حق اين ضيافت را بگزارم.

زن گفت: ما جزا بر مهمانى نستانيم و نان به بها نفروشيم. و از من هيچ‏قبول نكردند و من دانستم كه ايشان از من كريم‏ترند. (١٦) .

## دشمنى‏ها راتبديل به دوستى مى‏كند

اگر كسى از برادر دينى‏اش كينه‏اى در دل داشته باشد و يا با او دشمنى‏ورزد، يكى از راه‏هاى بسيار خوب و مؤثر براى برقرارى آشتى اين است كه‏او را به مهمانى در منزل دعوت كند، هر چند از اين كار كراهت داشته باشد.به محض دعوت كردن، دشمنى و كينه‏ها تبديل به دوستى و صداقت مى‏شود واز طرفى رضايت‏خداوند جلب مى‏شود، چون رضاى خدا در اين است كه بين‏مؤمنان دشمنى نباشد و همه باهم برادر و يكدل و يكرنگ باشند.

## حكايت عادت ملك كرمان

آورده‏اند كه ملكى در كرمان بود، در غايت كرم و مروت. عادت او چنين‏بود كه اگر فرد غريبى به آن شهر مى‏آمد، او سه روز آن فرد را مهمان خودمى‏كرد و از او پذيرايى مى‏نمود.

روزى لشكر عضدالدوله به كرمان حمله كرد و آن ملك طاقت مقاومت‏باايشان را نداشت. لذا در دژى رفت و هر روز صبح كه مى‏شد، بيرون مى‏آمدو جنگ سختى با آنها مى‏نمود و عده‏اى را مى‏كشت. اما شب كه مى‏شد،مقدار زيادى غذا و ميوه جات براى آنها مى‏فرستاد، به اندازه‏اى كه تمام لشكردشمن سير مى‏خوردند.

عضدالدوله از اين كار تعجب كرد و يك نفر را مخفيانه پيش او فرستاد، وپرسيد: اين چه كارى است كه تو مى‏كنى؟ روز آنها را مى‏كشى و شب به آنهاغذا و امكانات مى‏دهى!

ملك در جواب گفت: جنگ كردن اظهار مردى است و نان دادن اظهارجوانمردى. ايشان اگرچه دشمن من هستند، اما در اين ولايت غريب‏اند وچون غريب باشند، مهمان ما هستند و از جوانمردى نيست كه مهمان رابى غذا گذاشت.

عضدالدوله باخود گفت: كسى كه چنين با مروت و جوانمرد است،جنگ كردن ما با او اشتباه است. لذا از اطراف دژ برخاست و آن ملك‏به خاطر مهماندارى نيكو از شر دشمن خلاصى يافت. (١٧) .

## مهمان‏نواز در امنيت است

دين مقدس اسلام براى افراد مهمان‏نواز هر عقيده و مسلكى كه داشته ‏باشند اهميت زيادى قايل است و به آنها احترام ويژه‏اى مى‏گذارد; هرچندكه اهميت و احترام گذاردن براى منحرفان و كفار، فقط در دنيا است و درآخرت هيچ بهره‏اى ندارند و تنها ثمرات دنيوى مهماندارى شامل حال آنهامى‏شود، اما همين مقدار كه امتيازات زيادى شامل حال آنها مى‏شود و نسبت‏به ديگران برترى دارند، اهميت مهمان‏نوازى را مى‏فهماند.

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: روزى عده‏اى از اسيران را خدمت‏رسول اكرم‏صلى‌الله‌عليه‌وآله آوردند تا آنها را به‏خاطر جنايات و خيانت‏هايى كه كرده‏بودند، به قتل برسانند.

مردى از آنها را پيش آوردند تا حكم اعدامش را اجرا كنند. در اين هنگام‏جبرئيل از طرف خداوند بر پيامبر اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله نازل شد و عرض كرد: اعدام اين‏شخص رابه تاخير اندازيد!

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله وى را برگرداند و پس از اجراى حكم اعدام‏درباره ساير رفقايش وى را طلبيد و با او صحبت كرد.

در اين هنگام باز جبرئيل‏عليه‌السلام نازل شد و عرض كرد: خداوند مى‏فرمايد:اين مرد ديگران را اطعام مى‏كرد و مهمان‏نواز بود و در ناملايمات صبرمى‏كرد، وى را عفو نما.

پيامبر اكرم‏صلى‌الله‌عليه‌وآله او را به بركت اين فضيلت‏بزرگ و ارزشمند آزاد فرمود.

آن مرد وقتى علت آزادى خود را فهميد، تعجب كرد و اسلام آورد وسپس‏گفت: قسم به پروردگارى كه تو را به نبوت برگزيده است! هيچ‏گاه كسى را ازمال خويش محروم نگردانيدم. (١٨) .

## برابر با آزاد كردن يك بنده در راه خدا است

شخصى خدمت‏حضرت امام محمد باقرعليه‌السلام رسيد و سؤال كرد: چه عملى‏ثوابش مساوى با آزاد كردن يك بنده است؟

حضرت فرمود: غذا دادن به يك شخص مسلمان مؤمن. (١٩) .

حضرت امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: اگر مؤمنى را اطعام كنم، نزد من‏بهتر است از اين‏كه به ديدارش بروم، و اگر به ديدارش بروم، نزد من بهتر ومحبوب‏تر است از اين‏كه ده بنده را آزاد كنم. (٢٠) .

نصربن قابوس مى‏گويد: روزى نزد امام جعفر صادق‏عليه‌السلام بوديم. آن حضرت‏فرمود: طعام دادن به يك مؤمن نزد من محبوب‏تر است از آزاد كردن ده بنده‏و گزاردن ده حج!

عرض كردم: ده بنده و ده حج؟!

فرمود: اى نصر! اگر شما طعامش ندهيد، مى‏ميرد يازبون مى‏شود، زيرا اواز فشار گرسنگى نزد ناصبى‏ها و دشمنان ما مى‏رود و از آنان درخواست‏مى‏كند و مردن برايش بهتر از درخواست كردن از ناصبى است.

اى نصر! هر كه مؤمنى را زنده كند، مثل اين است كه همه مردم رازنده كرده است. اگر به او طعام ندهيد، او را كشته‏ايد و اگر اطعامش كنيد،او را زنده كرده‏ايد. (٢١) .

و نيز آن حضرت فرمود: اگر پنج درهم برگيرم و به بازار شما درآيم وطعامى بخرم و چند نفر از مؤمنان را گرد آورم، نزد من محبوب‏تر است ازاين‏كه بنده‏اى را آزاد كنم. (٢٢) .

## در خانه او بركت مى‏آيد

امام صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: همانا خداوند عزيز و جليل غذا دادن درراه خودش را دوست دارد و كسى را كه در راه او به مردم غذا مى‏خوراند،دوست دارد و بركت در خانه او سرعت مى‏گيرد، سريع‏تر از پرنده‏اى كه‏به لانه مى‏رود. (٢٣) .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پى‏نوشتها:

١) مستدرك الوسائل ، ج ١٦ ، ب ٣٣ ، ص ٢٥٧ .

٢) همان ، ح ٤ .

٣) همان ، ح ٥ .

٤) آثار و اشعار شيخ بهايى ، ص ١٥٦ .

٥) وسائل‏الشيعه ، ج ١٦ ، ص ٤٥٩ ، ح‏٦ .

٦) اصول كافى ، ج ٣ ، ص ٢٨٩ ، ح ٨ .

٧) مستدرك الوسائل ، ج‏١٦ ، ب‏٣٣ ، ص‏١٥٧ .

٨) ثواب الاعمال ، ص ٣٠٥ .

٩) همان ، ص ٤٠٨ .

١٠) همان ، ص‏٤٠٩.

١١) همان ، ص ٣٠٤ .

١٢) همان ، ص ٢٠٦ ، ح ٣ .

١٣) همان ، ح ٢ .

١٤) حلية‏المتقين ، ص ٦٠.

١٥) بحار الانوار ، ج ٧١ ، ص ٣٩٢ ، ج ٥٦ .

١٦) جوامع الحكايات ، ص ٢١٤ ، با كمى تصرف .

١٧) همان ، ص ٢١٦ ، با اندكى تصرف .

١٨) فروع كافى ، ج ١ ، ص ١٧٦ .

١٩) اصول كافى ، ج ٣ ، ص ٢٩٠ ، ح ١٦ .

٢٠) همان ، ص ٢٩١ ، ح ١٨ .

٢١) همان ، ص ٢٩١ ، ح ٢٠ .

٢٢) همان ، ص ٢٩١ ، ح ١٥ .

٢٣) بحار الانوار ، ج ٧٤ ، ص ٣٦٨ ، ح ٥٥ .

# بخش سوم: وظايف ميزبان

در مهمانى و مهماندارى، مهمان و ميزبان وظايفى نسبت‏به يكديگر دارند كه‏بايد آنها را مراعات كنند. بعضى از اين وظايف براى راحتى حال مهمان و ميزبان‏است و بعضى به خاطر زياد شدن ثواب مهماندارى و مهمانى رفتن است.

دين مقدس اسلام سفارش مؤكد به مهماندارى و مهمان‏نوازى كرده‏و وظايفى را معين كرده است كه ائمه اطهارعليهم‌السلام اين وظايف را بيان كرده‏اند.ما مى‏توانيم با عمل كردن به آنها به ثواب‏هاى بسيار زيادى برسيم وبه اين وسيله دنيا و آخرت خود را آباد كنيم.

اما وظايفى كه مخصوص ميزبان و مهماندار است، عبارتند از:

## به كار نگرفتن مهمان

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: يكى از وظايف ميزبان اين است كه‏مهمان را به كار نگيرد. به كار گرفتن مهمان جفا و ظلم در حق او است. (١) .

متاسفانه يكى از عادات بد عده‏اى از مردم اين است كه وقتى براى آنهامهمان مى‏رسد، از فرصت استفاده كرده و او را به كار مى‏گيرند و تا جايى كه‏ممكن باشد، از او كار مى‏كشند در حالى كه اين عادت كاملا مخالف دستور وشؤونات اخلاقى ائمه اطهارعليهم‌السلام و علماى دين است.

روزى براى حضرت امام رضاعليه‌السلام مهمان رسيد. حضرت نزد او نشست وبعد از شام تا نيمه شب با او صحبت كرد و صحبت‏هاى او را شنيد. دراين هنگام چراغى كه در آن‏جا روشن بود، خراب شد ونزديك بودخاموش شود.

مهمان دستش را دراز كرد تا آن را درست كند. امام رضاعليه‌السلام او را نهى كردو نگذاشت مهمان اين كار را بكند و خود چراغ را درست كرد و فرمود:ما قومى نيستيم كه مهمانمان را به كار گيريم و از او كار بكشيم.به همين خاطر نگذاشتم تو چراغ را درست كنى. (٢) .

در جايى كه امام‏عليه‌السلام راضى نمى‏شود مهمانش حتى براى تعمير كردن‏يك چراغ به زحمت‏بيفتد و خودش اين كار را مى‏كند، ما هم كه شيعه‏آن حضرت هستيم، بايد به دستور آن بزرگوار عمل كرده ومهمانانمان رابه كار نگيريم.

ابن ابى‏يعفور مى‏گويد: روزى ديدم براى امام صادق‏عليه‌السلام مهمان رسيد.در همان شب آن شخص برخاست كه بعضى از كارها را انجام دهد و زحمتى رااز دوش امام‏عليه‌السلام بردارد. وى مى‏خواست‏به اين وسيله به حضرت خدمت‏كرده باشد.

امام‏عليه‌السلام تا به اين قضيه پى برد، او را نهى كرد و نگذاشت كارى انجام دهد،و خود بلند شد و كارها را انجام داد و فرمود: پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله نهى كرد از اين‏كه كسى مهمان را به كار گيرد. (٣) .

## غذا خوردن با مهمان

يكى از وظايف اخلاقى ميزبان اين است كه همراه مهمانانش غذا بخورد واز غذا دست نكشد تا همه مهمان‏ها سير شوند و كنار بكشند، زيرا ممكن‏است‏بعضى از مهمان‏ها كمرو باشند و در صورت غذا نخوردن صاحبخانه، آنان هم غذا نخورند و يا هنوز سير نشده، دست از غذا خوردن بكشند.

علت ديگر اين است كه مهمان فكر بدى درباره غذا نكند. چون اگرصاحبخانه غذا نخورد، ممكن است مهمان فكر كند غذا داراى اشكالى بوده ياعيب و ايرادى داشته كه ميزبان همراه مهمان غذا نخورده است.

امام صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: وقتى مهمانى براى رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏رسيد،همراه او غذا ميل مى‏كرد و دست از غذا نمى‏كشيد تا مهمان سير مى‏شد وكنار مى‏كشيد. (٤) . غذا خوردن با مهمان علاوه بر اين‏كه موجب نزديكى دل‏هاى مؤمنان‏مى‏شود و سوء ظن‏ها را از بين مى‏برد، موجب رضايت و دوستى خدا و رسول‏مى‏شود و اين پاداشى بسيار بزرگ است.

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: هر كس دوست دارد خدا و رسولش اورا دوست داشته باشند، با مهمانش غذا بخورد. (٥) .

و نيز مى‏فرمايد: هر كس غذايش را با مهمانش بخورد، تمام حجاب‏هاى‏ظلمانى بين او و خدا از بين مى‏رود. (٦) .

## حكايت غذا خوردن حضرت على‏عليه‌السلام با مهمانانش

روزى عده‏اى دزد را نزد حضرت على‏عليه‌السلام آوردند تا حكم شرعى را درباره‏آنها به اجرا در آورد.

حضرت بعد از اجراى حكم شرعى و قطع كردن انگشتان آنها فرمود: حال‏داخل مهمانسرا شويد، و به يكى از اصحاب دستور داد كه دست آنها رامعالجه كند و به آنها روغن و عسل و گوشت‏خورانيد تا اين‏كه بعد از چندروزى خوب شدند.

روزى حضرت آنها را به خانه خود دعوت كرد و فرمود: دست‏هاى شمازودتر از خودتان به آتش جهنم سبقت گرفتند. حال اگر خودتان مى‏خواهيدنجات پيدا كنيد، توبه كرده و از اين غذا بخوريد.

بعد از حاضر شدن غذا، حضرت دستش را به بهانه درست كردن چراغ‏دراز كرد و آن را خاموش نمود و بعد آن را به حضرت زهراعليها‌السلام داد و فرمود:روشن كردن آن رابه تاخير بينداز تا مهمان‏ها خوب غذا بخورند، بعد كه تو راصدا زدم، آن را بياور!

حضرت كنار مهمان‏ها در تاريكى نشست و بدون اين‏كه غذا ميل كند،دهان مباركش را مى‏جنباند. مهمان‏ها فكر مى‏كردند در حال خوردن است.و آنها هم تا آخر غذا را خوردند و سير شدند و دست از غذا خوردن كشيدند.

حضرت على‏عليه‌السلام وقتى فهميد مهمان‏ها دست از غذا خوردن كشيده‏اند،حضرت زهراعليها‌السلام را صدا زد و فرمود: زهرا جان! پس اين چراغ چه شد، چراآن را نمى‏آورى؟

حضرت زهراعليها‌السلام چراغ را روشن كرد و آن را آورد. وقتى در روشنايى به‏سفره نگاه كردند، ديدند تمام غذا باقى است و چيزى از آن كم نشده است!

اميرالمؤمنين على‏عليه‌السلام به مهمان‏ها گفت: چرا غذا ميل نكرديد؟!

عرض كردند: ما غذا خورديم و سير شديم، ولى خداى عزيز به غذاى شمابركت داده است.

بعد حضرت على‏عليه‌السلام از آن غذا ميل كرد و سير شد. حضرت زهرا وحسنين‏عليهما‌السلام نيز غذا خورده و سير شدند. از آن غذا به همسايه‏ها هم دادند،در حالى كه غذا همچنان باقى بود و از آن كم نمى‏شد.

صبح كه شد حضرت على‏عليه‌السلام خدمت رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله شرفياب شد.

رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله وقتى چشمش به على‏عليه‌السلام افتاد، در حالى كه لبخند شادى‏بر لب داشت، فرمود: خداوند تبارك و تعالى از كارى كه ديشب كردى،خشنود شد و به خاطر اين‏كه چراغ را خاموش كردى و غذا نخوردى تامهمان‏ها سير شوند، به غذاى تو بركت داد، به‏طورى‏كه هر چه از آن مصرف‏مى‏كرديد، چيزى كم نمى‏شد.

على‏عليه‌السلام عرض كرد: يارسول الله! كى تو را خبر داد؟!

حضرت فرمود: جبرئيل‏عليه‌السلام اين آيه را در شان تو از طرف خدا بر من‏خواند: ( وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ...). (٧) .

علت تاكيد ائمه اطهارعليهم‌السلام به غذا خوردن با مهمان اين است كه بعضى ازمهمان‏ها كمرو هستند و به همين خاطر غذا نمى‏خورند مگر اين‏كه ابتداميزبان شروع به خوردن كند، و اگر او زود دست از غذا خوردن بكشد، آنهانيز دست از غذا خوردن مى‏كشند، هر چند سير نشده باشند.

دين مبين اسلام براى حل اين مشكل سفارش كرده خوب است ميزبان قبل‏از همه شروع به خوردن كند و بعد از همه دست از غذا بكشد تا كسى گرسنه‏نماند.

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله وقتى با عده‏اى غذاميل مى‏كرد، اولين كسى بود كه شروع به خوردن مى‏كرد و آخرين كسى بود كه‏دست از غذا خوردن مى‏كشيد. (٨) .

امام كاظم‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: وقتى براى رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله مهمان مى‏رسيد، همراه‏او غذا مى‏خورد و دست از غذا نمى‏كشيد تا غذاى مهمان تمام مى‏شد. (٩) .

شايان ذكر است غذا خوردن مهمان با ميزبان عموميت ندارد، يعنى اين‏كه‏در زمان‏ها و اماكن عادات و رسومات مختلف است. ممكن است در زمانى‏براى مراعات حال مهمان غذا خوردن با او بهتر باشد، اما در زمان و يا مهمان‏ديگر غذا نخوردن بهتر باشد. لذا در مورد اول بايد با مهمان غذا بخورد و درمورد دوم خوب است او را تنها گذاشت، تا غذايش را ميل كند.

هر طور كه مهمان راحت‏باشد و در سختى قرار نگيرد، اسلام دستورداده است همان‏طور با او رفتار كنيم.

## غذا را هر چه زودتر براى مهمان آماده كند

مهمان وقتى از راه مى‏رسد، مخصوصا اگرمسافر باشد، غالبا خسته وگرسنه است. هم نياز به غذا دارد و هم استراحت. لذا بايد هر چه زودترغذاى او را آماده كنند تا بتواند استراحت كند. براى اين كار لازم نيست غذاى‏مفصل درست كنند، بلكه هر غذايى كه آماده و دم دست‏باشد، براى او فراهم‏آورند.

يكى از روش‏هاى بسيار پسنديده حضرت ابراهيم خليل‏عليه‌السلام همين بود كه‏غذاى مهمان را خيلى زود آماده و نزد او حاضر مى‏كرد، بدون اين‏كه تكلفى‏به خرج داده و خود را به زحمت‏بيندازد; مانند روزى كه ملائكه عذاب‏قوم لوط‏عليه‌السلام به منزل او وارد شدند. حضرت ابراهيم‏عليه‌السلام فكر كرد آنها انسان‏هستند. لذا خيلى زود گوساله‏اى را كه دم دست داشت ذبح و بريان كرد و نزدآنها آورد. بعدا فهميد آنان ملائكه هستند وغذا نمى‏خورند (فَمَا لَبِثَ أَن جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ) (١٠) چيزى نگذشت كه گوساله‏اى را بريان كرده، نزد آنها آورد).

## خود را به زحمت نيندازد

مهمان دو گونه است: مهمانى كه بدون اطلاع و دعوت قبلى به خانه كسى‏مى‏رود و ديگرى كه با اطلاع و دعوت به مهمانى مى‏رود و به منزل برادرمؤمنش وارد مى‏شود.

ميزبان در مورد اول لازم نيست‏براى تهيه غذا و پذيرايى از مهمان، خودرا به زحمت‏بيندازد، بلكه هر غذايى كه آماده داشت، براى او حاضر كرده وبه اين وسيله از او پذيرايى كند.

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: وقتى برادر مؤمنت‏به مهمانى تو آمد،آنچه غذا حاضر دارى، براى او بياور. اما اگر او را دعوت كردى، آنچه درتوان دارى، براى او حاضر و به اين وسيله از او پذيرايى كن. (١١) .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هر كس به خوان قسمت‏خود رزق مى‏خورد  |  | از كم بضاعتى خجل از ميهمان مباش  |

«صائب تبريزى‏».

در اين مورد هم هيچ فرقى بين مهمانان نيست. مهمان هر كس كه باشد،دستور اسلام اين است كه انسان نبايد خود را به خاطر او به زحمت‏بيندازد.

## حكايت پذيرايى اعرابى از خليفه

روزى خليفه مهدى عباسى، به شكار رفته و از لشكر دور افتاده بود.همچنان كه حيران و سرگردان در صحرا مى‏گشت، ناگاه به خيمه اعرابى‏باديه‏نشين رسيد.

هوا گرم و خليفه تشنه و گرسنه بود. خليفه به خيمه اعرابى وارد شد و روبه او كرده، پرسيد: اى اعرابى! آيا مهمان مى‏خواهى؟

اعرابى گفت: مى‏خواهيم، اگر به آنچه هست، قانع شوى و عيب نگيرى!

خليفه گفت: قبول است. حال برو و آنچه حاضر است، بياور.

اعرابى مقدارى ماست و نان داشت. آورد و خليفه ميل كرد. بعد گفت:اى اعرابى! غذاى خوبى بود. ديگر چه دارى؟

اعرابى كوزه آبى داشت. پيش آورد و قدحى پر كرد و به خليفه داد.

خليفه نوشيد. آن‏گاه به اعرابى گفت: آيا مرا مى‏شناسى؟

اعرابى گفت: خير، شما را نمى شناسم. خليفه گفت: من از خواص‏اميرالمؤمنين مهديم!

اعرابى گفت: شايد راست‏بگويى.

خليفه قدحى ديگر نوشيد و گفت: من از جمله سپهسالاران اميرالمؤمنين‏مهديم!

اعرابى باشنيدن اين حرف كوزه را از پيش او برداشت و سر كوزه رامحكم كرد و يك سو نهاد.

مهدى پرسيد: چه مى‏كنى؟!

گفت: و الله ديگر آب به تو نمى‏دهم. وقتى قدح اول را نوشيدى، ادعا كردى‏از نزديكان خليفه‏اى. دوم را كه خوردى، گفتى سپهسالارى. قدح سوم را كه‏بخورى، دعوى خلافت مى‏كنى، و اگر چهارم را بخورى، دعوى نبوت مى‏كنى ومى‏گويى محمد رسول الله‏ام و همى ساعت فرشتگان در آيند و مرا به زحمت‏اندازند! مهدى از اين سخن بسيار خنديد و بعد از ساعتى لشكر و خدم او آمدند واعرابى را جايزه زيادى داد. (١٢) .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خنده رويى ميهمان را گل بجيب افشاندن است  |  | تنگ خلقى كفش پيش پاى مهمان ماندن است  |

«صائب تبريزى‏».

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: خود را به خاطر مهمان به زحمت‏نيندازيد، زيرا اين كار موجب ناراحتى مهمان مى‏شود و كسى كه مهمان راناراحت كند، خدا را ناراحت كرده است و كسى كه خدا را ناراحت كند، خدااو را [به عذاب در جهنم] ناراحت مى‏كند.

در روايت آمده است: عده‏اى به مهمانى حضرت يونس‏عليه‌السلام رفتند. حضرت‏مقدارى باقلا از مزرعه خود چيد و با كمى نان خشك براى آنها آورد وفرمود: اگر خداوند افرادى كه خود را به‏خاطر مهمان به سختى مى‏اندازند،لعنت نكرده بود، من خود را به‏خاطر شما به زحمت مى‏انداختم.

ميزبان در پذيرايى از مهمان بايد طورى رفتار كند كه مهمان احساس‏مزاحمت نكند و اگر بداند ميزبان براى پذيرايى از او به زحمت مى‏افتد وبه وسيله قرض گرفتن و مشقت زياد لوازم پذيرايى را آماده مى‏كند، اين كارموجب دلسردى او شده و براى رفع مزاحمت‏سعى مى‏كند كمتر به ديدن ومهمانى بيايد. اين كار موجب دورى مؤمنان از يكديگر شده و اتحاد و دوستى‏ميان آنها رو به سردى مى‏گرايد. اما اگر تشريفاتى نباشد و ميزبان از آنچه‏خود و خانواده مى‏خورند، بدون تكلف براى مهمان نيز بياورد، ديگر او نيزاحساس مزاحمت و سربار بودن نمى‏كند و دفعات بعد نيز به ديدن ميزبان‏خواهد آمد و دوستى ميان آنها بيشتر خواهد شد.

## حكايت مهمانى دادن دو دوست

گويند در زمان‏هاى قديم دو نفر بودند كه رفاقت و صميميت آنها زبانزدخاص و عام بود و خيلى باصداقت رفتار مى‏كردند.

روزى يكى از آن دو دوست‏به مهمانى دوست‏خود رفت. ميزبان درضيافت او تكلف كرد و انواع غذاها را آماده كرد واگر پول نداشت، ازمغازه‏ها نسيه گرفت، تا به مهمان خوش بگذرد.

بعد از سه روز مهمان عزم رفتن كرد، و وقت‏خداحافظى گفت: واقعا كه‏رسم مهماندارى را بلد نبودى! اگر زمانى به مهمانى من بيايى، به تو آيين‏مهماندارى را ياد مى‏دهم.

ميزبان خجل شد و انديشيد در ضيافت او چه كوتاهى كرده و كدام نكته رافرو گذاشته و انجام نداده‏ام.

مدتى در اين انديشه بود تا اين‏كه روزى او را بدان شهر دوست‏سفرى‏اتفاق افتاد و به خانه دوستش رفت.

آن دوست مقدم او را عزيز داشت و فورا نان و سركه پيش آورد. آن‏گاه‏سفره، كاسه‏اى چوبى و سه نوع خوردنى پيش او نهاد.

مهمان با خود فكر كرد شايد فردا تكلف مى‏كند و پذيرايى اصلى را انجام‏مى‏دهد، اما روز ديگر نيز غذاى سرد پيش او نهاد!

مرد متحير شد و با خود گفت: چندان كه تكلف كردم، در مهماندارى مرامقصر خواند، پس چرا خود تكلف نمى‏كند؟

روزى پرده حشمت از ميان برداشت و شرم و خجالت را به كنارى نهاد واز او پرسيد: دوستان اين‏طور مهماندارى مى‏كنند؟!

ميزبان گفت: آرى، تكلف مال بيگانگان است. وقتى من به منزل تو آمدم،خواستم يك ماه تو را ببينم و در خدمت تو باشم. چون طريق تكلف پيش‏داشتى، دانستم از وجود من به تنگ آمده‏اى. پس كفش در پاى كردم و ازخدمت تو دور شدم. و چون تو آمدى، من از معمول خويش زيادت نمى‏كنم وزياده‏روى نمى‏نمايم، و بر وجود تو منتى نمى‏نهم، و اگر يك سال هم مهمان‏من باشى، مرا هيچ بار گرانى نخواهد بود.

مرد عاقل بود و انصاف بداد و يقين كرد تكلف كردن با مهمان از عادت‏كرام نيست، و روى ترش كردن با مهمانان جز سيرت لئيمان نباشد. (١٣) .

ميزبان نبايد آنچه را براى مهمان حاضر مى‏كند، كم و حقير شمارد و آن رادر شان مهمان نداند، چون در اين صورت نعمت‏خدا را ناچيز شمرده و اين‏خود نعى ناسپاسى است.

اگر انسان برادر دينى‏اش را دعوت كرد، بايد تا توان دارد، از او پذيرايى‏كند و وسايل رفاه و آسايش او را فراهم نمايد.

امام صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: اگر كسى هزار درهم را صرف طعامى كند ومؤمنى از آن بخورد، اسراف نكرده است. (١٤) .

اسراف آن است كه كسى غذايى درست كند و بدون اين‏كه خورده شود، آن‏را دور بريزد، اما اگر غذايى گران قيمت درست كند كه خود و خانواده‏اش يامؤمنى از آن بخورند، اسراف نيست. خداوند تبارك وتعالى مى‏فرمايد: ازغذاهاى حلال بخوريد و بياشاميد، ولى اسراف نكنيد، هر نوع غذايى را اين‏آيه در بر مى‏گيرد، مگر غذاهاى حرام يا شبهه ناك را.

متاسفانه عده‏اى از افراد پولدار و ثروتمند، تحت عنوان مهمانى و پذيرايى‏از مهمان، اسراف مى‏كنند و به عنوان عمل كردن به دستور اسلام، اسلام رابد نام كرده و دستورهاى دينى را مسخره نموده، آبروى اسلام را برده و مايه‏ننگ اسلام شده‏اند.

عده‏اى از فرمانروايان با اين بهانه، بيت المال رابه باد فنا داده و حق فقرارا از بين برده‏اند.

## نبايد از مهمان پرسيد غذا خورده است‏يا نه

يكى ديگر از وظايف ميزبان اين است كه بدون اين‏كه از مهمان سؤالى كند،هر غذايى را كه در خانه داشت، براى او بياورد تا ميل كند و اگر غذا نخورد،آن را بردارد، چون بعضى از مهمان‏ها كمرو هستند، و اگر از آنها پرسيده شودغذا خورده‏اند يا نه، مى‏گويند: آرى، در حالى كه ممكن است‏بسيار هم گرسنه‏باشند.

امام صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: وقتى برادر مؤمنت‏به خانه‏ات آمد، از او مپرس‏چيزى خورده يا نه. هرچه حاضر دارى، نزد او بياور، كه جواد و جوانمردكسى است كه هر چه دارد، حاضر سازد. (١٥) .

درباره حضرت ابراهيم‏عليه‌السلام در قرآن كريم آمده است: وقتى ملائكه‏مى‏خواستند عذاب را بر قوم لوط نازل كنند، اول به خانه حضرت ابراهيم‏عليه‌السلام ‏آمدند، و حضرت بدون اين‏كه از آنها سؤال كند غذا خورده‏اند يا نه، گوساله‏اى‏را براى آنها بريان كرد و نزد آنها حاضر نمود.

اگر حضرت ابراهيم‏عليه‌السلام ابتدا مى‏پرسيد غذا خورده‏اند يا نه، ديگر غذادرست كردن معنا نداشت; پس معلوم مى‏شود حضرت به وظيفه خود عمل‏كرده است.

## حكايت عرب جوانمرد

هنگامى كه عبدالله بن عباس نابينا شد، از مدينه به شام رفت و غلامى‏به نام خشم همراه او بود.

روزى در اثناى راه باران گرفت. عبدالله گفت: اى غلام! ببين در اين‏نزديكى پناهگاهى هست و خيمه‏اى مى‏بينى!

غلام گفت: خيمه‏اى مى‏بينم، و عبدالله را بدان سو برد. پيرزنى از خانه‏بيرون آمد و عبدالله را در گوشه‏اى جاى داد. وى بزكى در خيمه داشت.در اين اثنا شوهرش رسيد و بر عبدالله سلام كرد.

شوهر به زن گفت: زود اين بز را بياور تا براى مهمان ذبح كنيم.

زن گفت: اين بز سبب معاش ما است. اگر براى مهمان بكشيم،خواهيم مرد. پيرمرد جواب داد: مرگ نزد من از زندگانى ناجوانمردانه بهتر است،كه مهمان گرسنه در خانه من بماند. كارد را از زن گرفت و بز را ذبح كرد وبريان نمود و نزد عبدالله آورد.

بامداد روز ديگر كه ابن عباس اراده رفتن نمود، به غلام گفت: آن زرهاى‏نقد را كه دارى، به اين پيرمرد بده!

غلام گفت: اگر بهاى ده گوسفند به او بدهى، كافى است.

عبدالله جواب داد: زرها را به او بده، كه هنوز از ما سخى‏تر است، زيرا ماغير از اين، اسباب و اموال ديگرى داريم، ولى او به جز آن بز كه براى ما كشت، چيز ديگرى ندارد. (١٦) .

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: وقتى برادر مؤمنت‏بر تو وارد شد، غذانزد او بياور. اگر نخورد، به او آب بده و اگر ننوشيد، به او بگو [با آن آب]وضو بگيرد. (١٧) .

كسى كه برادر مؤمنش را دعوت مى‏كند، بايد خود را براى پذيرايى ازچند نفر ديگر هم آماده كند، چون ممكن است آن شخص، فرزند، برادر و يارفيق خود را نيز به‏همراه بياورد، مخصوصا اگر مهمان فردى صاحب منصب‏باشد كه در اين صورت چند نفر دوست و آشنا هم به همراه خواهد آورد وميزبان بايد خود را براى پذيرايى از همه آنها آماده كند.

## حكايت مهمانى كريمان

شيخ احمد خضرويه، روزى به عيال خود گفت: مى‏خواهم فلانى را كه ازمعارف شهر است، مهمان كنم.

زن گفت: او مردى بزرگ است. ما اسباب ضيافت او را از كجابه دست آوريم؟ چون اگر بخواهى او را دعوت كنى، بايد گاو، گوسفند و الاغى‏را ذبح كنى! احمد پرسيد: علت كشتن گاو و گوسفند را مى‏دانم، اما حكمت كشتن الاغ‏چيست؟!

زن گفت: چون كريمان و بزرگان دست در نمك كه زنند، واجب است‏سگان محله را نيز دندانى چرب كنند! (١٨) .

همراه آوردن ديگران در صورتى درست است كه ميزبان راضى باشد واگر ميزبان راضى نباشد مهمان كس ديگرى را به‏همراه بياورد، اين كارشرعا حرام است.

## بدرقه كردن مهمان تا در منزل

خوب است ميزبان مهمان را تا در منزل بدرقه كند و ضمن خداحافظى،از توفيق ميزبان بودن اظهار خوشحالى كند و آرزو كند مهمان دوباره به منزل‏آنها بيايد تا صميميت آنها زيادتر شود.

رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: يكى از حقوق مهمان بر ميزبان اين است كه‏همراه او برود، تا از منزل خارج گردد. (١٩) .

## يارى كردن مهمان به هنگام آمدن

استقبال از مهمان و خوشامدگويى به او يكى از رسوم پسنديده است.

استقبال از مهمان و به پيشواز او رفتن و گرفتن لوازم و اسباب شخصى اوو رو به رو شدن با خنده و خوشرويى نوعى امر به معروف است، كه مهمان‏نيز تشويق شود با ديگران همين رفتار را داشته باشد و ديگران را به مهمانى‏دعوت كند. هنگامى كه مهمان مى‏خواهد مهمانى را ترك كند، ميزبان خود راخوشحال نشان ندهد، اما زاد و راحله راه را براى مهمان فراهم آورد وازسوغاتى‏هاى محل براى او بخرد و او را براى دفعات بعد نيز به مهمانى دعوت‏كند و خود نيز به ديدن و مهمانى او برود.

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: وقتى براى شما مهمانى رسيد، در هنگام‏ورود، او را در پياده كردن زاد و توشه‏اش كمك كنيد و وقتى خواست‏برگردد،به او كمك نكنيد، چون اين كار از پستى انسان است و زاد و توشه‏اش راآماده كنيد كه نوعى سخاوت است. (٢٠) .

## حكايت استقبال و بدرقه عجيب

اسمعى مى‏گويد: روزى در قبيله‏اى نزول كردم. در ميان باديه در هنگام‏وصول، زنان و دختران قبيله پيش آمده و مرحبا گفتند و بار مرا گشوده، به‏منزل بردند و تا وقتى كه در آن قبيله بودم، مرا خدمت مى‏كردند و از پذيرايى‏هيچ‏گونه كمبودى احساس نمى‏كردم.

بعد از سه روز تصميم گرفتم بروم. خواستم شتر خود را بار كنم، اما چون‏بارم سنگين بود، به تنهايى نمى‏توانستم آن را بار كنم. هرچه منتظر و چشم‏به راه ماندم، هيچ‏كس به كمك من نيامد.

از اين رفتار خيلى ناراحت و در عين حال متعجب بودم. درمانده‏صدا زدم: شما در وقت آمدن انواع دلدارى را تقديم كرديد و اكنون مرا تنهاگذاشته، مدد نمى‏كنيد، تا شترم را بار كنم؟! علت اين برخورد چيست؟ مگر ازمن خطايى سرزده است؟

يكى از آنها جواب داد: ما قومى هستيم كه از ورود مهمان خوشحال‏مى‏شويم و هنگام آمدن او را خدمت مى‏كنيم، اما چون دوست نداريم مهمان‏از پيش ما برود و از رفتن او ناراحت مى‏شويم، از اين رو در وقت رحيل براى‏ما عار است او را مدد كنيم.

وقتى اين جواب را شنيدم، متعجب شدم و هر طور بود بارم را به تنهايى‏بر شتر گذاردم و از آنها خداحافظى كردم. (٢١) .

## قدرت مهمانى دادن را داشته باشد

كسى كه نمى‏تواند نان زن و بچه‏هاى خود را بدهد، حق ندارد مهمان‏دعوت كند و اداى افراد سخى را درآورد . از قديم گفته‏اند: چراغى كه به خانه‏رواست، به مسجد حرام است. غذا دادن به خانواده و پرداخت نفقه زن وفرزند واجب است، اما مهمانى دادن مستحب، وهيچ مسلمانى نبايد عمل‏واجب را به‏خاطر انجام كار مستحبى ترك كند. انسان اول بايد زن و اولادخود را سير كرده و در رفاه قرار دهد، آن وقت اگر توانست مهمان‏دعوت كند.

مهمانى دادن ثواب بسيارى دارد، ولى بايد در حد توان انسان باشد. اگربيشتر از يك نفر را نمى‏تواند مهمان كند، بايد همان يك نفر را دعوت كند ودو نفر را دعوت نكند، و اگر توان پذيرايى از دو يا سه نفر را دارد، نبايد بيشتراز آن را دعوت كند و خانواده خود را در مضيقه و تنگنا قرار دهد.

## آماده كردن غذاى مورد علاقه مهمان

يكى از اخلاق نيكوى ميزبان اين است كه از مهمان بپرسد غذاى موردعلاقه‏اش چيست. اگر توانست، برايش تهيه نمايد و در غير اين صورت از اوعذرخواهى كند.

پرسش از مهمان اين حسن را دارد كه اگر غذايى براى او ضرر دارد و يادكتر او را از خوردن آن منع كرده است; تهيه نگردد و در عوض غذايى كه باب‏ميل مهمان است‏يا براى او ضرر ندارد، آماده شود.

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: كسى كه غذاى مورد علاقه برادردينى‏اش را فراهم كند، مورد آمرزش خدا است و خدا او را مسرور مى‏نمايد.

## حفظ كردن آبروى مهمان

حفظ آبروى مؤمنان بر يكديگر واجب است و اگر كسى به عيب برادردينى‏اش پى برد، بايد آبروى او را حفظ كند و عيب او را براى ديگران ابرازنكند.

يكى از جاهايى كه معمولا انسان به بعضى از عيوب برادر مؤمنش پى‏مى‏برد و بر آنها آگاهى مى‏يابد، وقتى است كه او براى مهمانى به منزل برادردينى‏اش مى‏رود، چون در اين اوقات مؤمنان بيشتر با يكديگر انس مى‏گيرند،از اين رو بر اسرار و عيوب يكديگر مطلع مى‏شوند.

## خدمت كردن به مهمان

يكى ديگر از وظايف ميزبان اين است كه كمر به خدمت مهمان ببندد وكارهاى او را انجام دهد، مثلا قبل از غذا براى او آب آماده كند تا دستش رابشويد، رختخواب اورا براى خواب آماده كند، لباس‏هاى او را آماده كند وكفش‏هاى او را جفت كرده و جلو او بگذارد.

## حكايت مهمانان على عليه‌السلام

روزى مردى با پسرش به‏عنوان مهمان بر حضرت على‏عليه‌السلام وارد شدند.حضرت با اكرام و احترام بسيار آنها را درصدر مجلس نشاند و خودرو به روى آنها نشست.

بعد از خوردن غذا، قنبر غلام حضرت حوله و تشت و ابريقى براى‏شستن دست آنها آورد.

حضرت على‏عليه‌السلام آنها را از دست قنبر گرفت و جلو رفت تا دست مرد رابشويد!

مرد خود را عقب كشيد و گفت: مگر چنين چيزى ممكن است!

امام‏عليه‌السلام فرمود: برادر تو، از تو است و از تو جدا نيست. مى‏خواهدعهده‏دار خدمت تو بشود. در عوض خداوند به او پاداش خواهد داد. چرامى‏خواهى مانع كار ثواب بشوى!

باز آن مرد امتناع كرد. على‏عليه‌السلام فرمود: من مى‏خواهم به شرف خدمت‏برادر مؤمن نايل گردم. مانع كار من مشو.

مهمان با شرمندگى حاضر شد. پس على‏عليه‌السلام فرمود: خواهش مى‏كنم دست‏خود را درست و كامل بشوى، همان‏طور كه اگر قنبر مى‏خواست دستت رابشويد، مى‏شستى. خجالت و تعارف را كنار بگذار.

وقتى امام از شستن دست مهمان فارغ شد، به پسر خود «محمدبن حنيفه‏»فرمود: دست پسر را تو بشوى. من كه پدر تو هستم، دست پدر را شستم و تودست پسر را بشوى، اگر پدر اين‏جا نبود و تنها اين پسر مهمان ما بود، من‏خودم دستش را مى‏شستم، اما خداوند دوست دارد وقتى كه پدر و پسرى‏حاضرند، در احترام بين آنها فرق گذاشته شود.

محمد به امر پدر برخاست و دست پسر را شست. امام حسن عسكرى‏عليه‌السلام ‏وقتى اين داستان را نقل كرد، فرمود: شيعه حقيقى بايد اين‏طور باشد. (٢٢) .

## آمادگى دايم براى پذيرايى از مهمان

كسى كه فاميل و دوستان زيادى دارد، يا شخصى است كه مشهور به‏بخشندگى و مهماندوستى است و هر آن احتمال دارد براى او مهمان بيايد،حتى‏المقدور بايد آماده پذيرايى باشد، تا اگر مهمانى بدون دعوت قبلى وسر زده وارد شد، براى پذيرايى از او در مشقت نيفتد و يا مهمان گرسنه نماند.

آمادگى براى پذيرايى يكى از نشانه‏هاى جود و سخاوت است. فقط افرادسخاوتمند هستند كه هميشه براى پذيرايى از مهمان آماده‏اند و از مهمان‏ناخوانده ناراحت نمى‏شوند.

## حكايت مهمانى با مغز استخوان

على بن هشام مردى با مروت و مهماندوست‏بود، روزى معتصم به قصدمزاح گفت: امروز بعد از آن‏كه على بن هشام ناهار خورد، به مهمانى اوبرويم و وى را امتحان كنيم تا حد او در مروت پديد آيد. آنها اين كار راكردند. مامون و عبدالوهاب نيز با ايشان بودند. چاشتگاهى نزد او آمدند.على بن هشام پيش دويد و خدمت كرد. ايشان گفتند: امروز چاشت‏به اميد توخواهيم بود.

على گفت: ياامير المؤمنين! من ناهار خورده‏ام و چيزى نمانده كه لايق‏شما باشد.

مامون گفت: تكلف شرط نيست. هر چه حاضر است، بگو بياورند.

رسم على بن هشام اين‏طور بود كه هميشه چند نوع حلوا درآشپزخانه‏آماده داشت و آشپزهاى او هميشه غذاى آماده و داغ در ديگ داشتند. وقتى‏مهمان مى‏رسيد، فورى غذا مى‏آوردند و هيچ‏وقت مطبخ او خالى از غذا نبود.

على بن هشام دستور داد هر چه آماده بود، آوردند. عبدالوهاب براى‏امتحان، از آشپزى مغز خواست. اوهم فورى مغز آورد. بار ديگر درخواست‏مغز كرد. باز هم آورد وتا چندين مرتبه اين درخواست تكرار شد و آنهامى‏آوردند. چون عادت على بن هشام را مى‏دانستند كه اگر بگويند نيست،ناراحت مى‏شود و آنها را تاديب خواهد كرد.

آشپز هر چه شتر و گوسفند در آغل بود، سر مى‏بريد و مغز آنها را براى‏مهمان مى‏آورد. تا اين‏كه فقط يك شتر ماند كه على بن هشام آن را به ده هزاردينار خريده بود. آشپز چاره‏اى نديد جز اين‏كه آن را بكشد. از اين رو آن راذبح كرد و مغز آن را براى مهمان آورد.

على بن هشام به آشپز آفرين گفت و پرسيد: اين همه مغز را از كجاآوردى؟

گفت: هر چه گاو، گوسفند و شتر بود، كشتم و مغز فرستادم و در پايان هم‏آن شتر گران‏قيمت را كشتم.

على بن هشام گفت: بسيار كار خوبى كردى و اگر جز اين مى‏كردى، تو راادب مى‏كردم.

مهمانان متعجب شدند و پس از آن اسم او جزو سخاوتمندان در جهان‏ثبت‏شد و به يادگار ماند. (٢٣) .

## دل و زبانش يكى باشد

كسى كه برادر دينى‏اش را به مهمانى دعوت مى‏كند و يا به او تعارف‏مى‏كند براى غذا خوردن به منزل او برود، بايد حتى‏المقدور قدرت پذيرايى‏داشته باشد و اگر خداى نخواسته براى خودنمايى تعارف كند وگمان كند باتعارف كسى به مهمانى‏اش نمى‏رود، كارى بسيار زشت و ناپسندى انجام داده‏است، چون دعوت بايد بارضايت كامل باشد، تا مورد قبول خداوند عزيز قرارگيرد. اگر كارى يك ذره با ريا باشد، آن عمل را خداوند قبول نمى‏كند. اگردوست ندارد كسى مهمان او شود يا قدرت پذيرايى ندارد، نبايد به كسى‏تعارف و در ظاهر ديگران را دعوت كند.

اگر نيت انسان با عمل او فرق داشته باشد، آن عمل مقبول نيست‏وهيچ‏گونه ثمره‏اى براى او ندارد و فرداى قيامت همين عمل وبال گردنش‏خواهد شد و عذابى دردناك در انتظار او است.

## لطيفه تعارف بى‏جا

گويند: يك نفر روستايى كنار جوى آبى نشسته و سفره خود را گسترده ومشغول خوردن غذا بود.

هنوز چند لحظه‏اى نگذشته بود كه سوارى از كنار او گذشت. دهاتى‏گفت: بسم الله، بفرماييد غذا ميل كنيد!

سوار بدون تامل از اسب فرود آمد و بر سر سفره نشست و مانند كسى كه‏چند روز غذا نخورده باشد، به تندى و ولع تمام مشغول خوردن شد.

مهمان در حين خوردن گفت: ميخ طويله اسبم را كجا بكوبم؟

دهاتى كه از تعارف كردن به مرد پر رو و پر خور پشيمان شده بود، گفت:روى زبان من ببند كه به تو تعارف بى جا كردم! (٢٤) .

## طعنه نزدن به مهمان

اگر مهمان، اخلاق به‏خصوصى دارد و يا در او عيبى هست كه اگر كسى آن‏عيب را به رخش بكشد، ناراحت مى‏شود، ميزبان نبايد كوچك‏ترين اشاره‏اى‏به آن بكند; حتى اگر مهمان مؤمن نباشد، نبايد از ايمان او ايراد گرفت و او راناراحت كرد، چون مهمانى دادن به‏خاطر ديندارى افراد نيست; هر چنداولويت در مهمانى باكسانى است كه متقى و مؤمن باشند.

نگاه كردن به دهان مهمان در حين غذا خوردن، اشاره كردن به چگونه‏غذا خوردن و زدن حرف‏هاى ركيك از جمله اخلاق زشتى است كه بعضى ازميزبان‏ها دارند و مهمان خود را به اين وسيله ناراحت مى‏كنند.

## حكايت مهمانى ابراهيم عليه‌السلام و بت‏پرست

حضرت ابراهيم‏عليه‌السلام در مهماندارى نمونه بود و از عادات او اين بود كه تامهمان برايش نمى‏آمد، لب به غذا نمى‏زد.

روزى بر او گذشت و مهمانى برايش نيامد. به صحرا بيرون رفت. بعد ازمقدارى جستجو، مرد بيگانه و بت‏پرستى را ديد كه در حال گذشتن از آن‏محل بود.

حضرت فرمود: اى دريغا! اگر مسلمان بودى، تا يك ساعت نزد ما مى‏نشستى وانگشتى بر غذاى ما مى‏زدى و ما را از بى مهمانى بيرون مى‏آوردى!

پيرمرد از كنار او گذشت. در اين هنگام جبرئيل‏عليه‌السلام بر حضرت نازل شد وگفت: ياابراهيم!حضرت حق سلام مى‏رساند و مى‏فرمايد: اين پير هفتاد سال‏مشرك و بت پرست‏بود، ولى مارزق و روزى او را كم نكرديم، اما يك روزناهار او را به تو حواله كرديم، به تهمت‏بيگانگى به او غذا ندادى؟!

حضرت ابراهيم‏عليه‌السلام به‏دنبال او رفت و او را صدا زد و دعوت كرد.

پير گفت: رد اول براى چه بود و دعوت آخر براى چه؟!

ابراهيم‏عليه‌السلام عتاب حق تعالى را به او گفت.

پير گفت: نافرمانى كردن چنين خداوندى از مروت دور است. پس ايمان‏آورد و از جمله مؤمنان گشت. (٢٥) .

## دفاع كردن از مهمان

وقتى كسى به مهمانى ديگرى مى‏رود، مانند اين است كه از حيث جان ومال به او پناه آورده و ميزبان با قبول كردن او، پناهش داده است. دفاع ازجان و مال پناهنده به حكم عقل لازم است.

از زمان‏هاى بسيار دور تا به حال رسم بوده كه مردم از مهمان خود دفاع‏مى‏كردند و حتى در زمان جاهليت‏براى دفاع از مهمان خون‏هاى بسيارمى‏ريختند و هر طور بود با جان و مال خود از مهمان دفاع مى‏كردند و جان‏او را نجات مى‏دادند.

وقتى ملائكه عذاب بر حضرت لوط‏عليه‌السلام به‏عنوان مهمان وارد شدند و قوم‏او به وسيله همسرش باخبر شدند، اطراف خانه حضرت را گرفتند و عده‏اى‏جلوى در ورودى تجمع كردند تا وارد منزل شوند وبه مقصود شيطانى خودجامه عمل بپوشانند.

حضرت لوط‏عليه‌السلام در مقام دفاع از مهمان‏ها برآمد، اما چون عده كفار زيادبود و قابل هدايت نبودند، خيلى ناراحت‏شد و فرمود: اى كاش قدرت داشتم‏در مقابل شما ايستادگى كنم و از مهمانان خود دفاع نمايم، اما افسوس كه اين‏قدرت و توانايى را ندارم. بنابراين به خدا پناه مى‏برم تا شما را به سزاى‏عملتان برساند!

## مهمانى دادن براى فخر فروشى نباشد

حضرت على‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: هر كس سفره احسانى بچيند و مردم را به‏مهمانى دعوت كند و نظرش فخر فروشى و نشان دادن شكوهمندى خود باشدخداوند او را در روز قيامت‏با روى سياه در محشر مى‏آورد. (٢٦) .

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: هر كس به‏خاطر ريا و خودنمايى‏مهمانى بدهد، خداوند فرداى قيامت از صديد جهنم به او مى‏خوراند و آن غذادر درونش آتش مى‏شود تا زمانى كه قيامت تمام شود. (٢٧) .

و سرانجام از جمله وظايف ميزبان اين است كه درباره مطالبى كه مهمان‏دوست دارد، صحبت كند.

- قبل از مهمان نخوابد.

- در حضور آنها از كمبودها و مشكلات زندگى صحبت نكند.

- در بين سخنان او حرف نزند.

- اگر صحبت‏هاى مهمان باب ميلش نبود، خود را ناراحت نشان ندهد.

- در حضور او به خانواده خود خشم نگيرد.

- خود را خوشحال و مسرور نشان دهد.

- هنگام رفتن او خود را غمگين و ناراحت نشان دهد.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پى‏نوشتها:

١) وسائل‏الشيعه ، ج ١٦ ، ص ٤٥٧ ، ح ٢ .

٢) همان ، ص ٤٥٧ ، ح ٣ .

٣) همان ، ح ١ .

٤) همان ، ص ٤٣٢ ، ح ٤ .

٥) ميزان الحكمه ، ج ٢ ، ص ١٧٢١ ، ح ١١١٣١ .

٦) همان ، ح ١١١٣٢ .

٧) كافى ، ج ٨ ، ص ٢٦٦ ، ح ٣١; آيه ٩ سوره حشر است .

٨) وسائل‏الشيعه ، ج ١٦ ، ص ٤٦٠ ، ح ١ .

٩) همان ، ص ٤٦١ ، ح ٣ .

١٠) هود (١١) آيه ٦٩ .

١١) وسائل الشيعه ، ج ٥ ، ص ٤٣٣ .

١٢) جوامع الحكايات ، ص ٢٠٨ ، با اندكى تصرف .

١٣) همان ، ص ٢١٢ ، با كمى تصرف .

١٥-١٤) حلية‏المتقين ، ص ٦٠ .

١٦) زينة المجالس ، ص ٥١٩ ، با كمى تصرف .

١٧) ميزان الحكمه ، ج ٢ ، ص ١٧٢١ ، ح ١١١٢٩.

١٨) جوامع الحكايات ، ص ٢١٢ ، با كمى تصرف .

١٩) وسائل‏الشيعه ، ج ١٦ ، ص ٤٣٣ ، ح ٤ .

٢٠) همان ، ج ٢٤ ، ص ٣١٦ .

٢١) زينة المجالس ، ص ٥١٨ ، با كمى تصرف .

٢٢) بحارالانوار ، ج ٩ ، ص ٥٩٨ .

٢٣) جوامع الحكايات‏ص ٢٠٧ ، با كمى تصرف .

٢٤) حكايات برگزيده ، ص ٢٣١ .

٢٥) جوامع الحكايات ، ص ٢١١ ، با كمى تصرف .

٢٦) عقاب الاعمال ، ص ٥٨٢ .

٢٧) وسائل‏الشيعه ، ج ١٦ ، ص ٤٥٥ ، ح ١ .

# بخش چهارم: وظايف مهمان

مهمان نيز به نوبه خود نسبت‏به ميزبان وظايفى دارد كه انجام دادن آن‏موجب رضايت‏خداوند تبارك و تعالى و مستحكم‏تر شدن اخوت ميان‏مؤمنان مى‏شود.

## تقاضاى دشوار از ميزبان نكند

يكى از وظايف مهمان اين است كه اگر ميزبان وضع خوبى ندارد و قدرت‏مالى او ضعيف است، از او تقاضاى غذايى غير از آنچه برايش مى‏آورند نكند;حتى اگر مى‏داند ميزبان غذاى مورد علاقه‏اش را تهيه مى‏كند. از نظر اخلاقى وعرفى اين تقاضا درست نيست.

اگر ميزبان از او خواست‏يكى از دو نوع غذا را انتخاب كند، اوراحت‏ترين و ساده‏ترين آنها را انتخاب كند.

## حكايت درخواست‏بى‏جا

ابووائل مى‏گويد: روزى من و ابوذر به زيارت سلمان رفتيم و براى ناهارنزد او مانديم.

موقع غذا كه شد، سلمان مقدارى نان جو و نمك برايمان آورد و به ماتعارف كرد كه بخوريم.

ابوذر گفت: اگر با اين نان و نمك مقدارى سعتر گياهى خوشبو مى‏بود،بهتر بود و ما بيشتر لذت مى‏برديم.

سلمان از نزد ما بلند شد و بيرون رفت و بعد از چند لحظه با مقدارى ازهمان سبزى كه ابوذر خواسته بود، برگشت.

وقتى غذا تمام شد، ابوذر گفت: خدا را شكر كه به ما قناعت‏بخشيد!

سلمان گفت: اى ابوذر! اگر به روزى خود قانع بودى، آفتابه من به رهن‏نمى‏رفت.

معلوم شد سلمان براى اين‏كه به درخواست ما جامه عمل بپوشاند، آفتابه خودرا نزد سبزى فروش به رهن گذاشته و مقدارى سبزى براى ما تهيه كرده بودتا بعدا پول آن را بدهد. (١) .

امام رضاعليه‌السلام مى‏فرمايد: روزى شخصى حضرت على‏عليه‌السلام را دعوت كردتا براى ناهار به منزل او برود.

حضرت فرمود: به شرطى كه سه خصلت را براى من ضمانت كنى، مى‏آيم:اول: اين‏كه از بيرون چيزى نخرى; دوم: هر چه در خانه حاضر داشتى،بياورى; سوم: بر عيال خود سخت نگيرى. (٢) .

چه خوب است تمامى مهمان‏ها اين‏طور باشند; يعنى قبلا با ميزبان وبرادر دينى خود شرط كنند در پذيرايى خود را به زحمت نيندازد; هر چه‏حاضر بود، بياورد تا ديگر لزومى به قرض گرفتن و به رهن گذاشتن لوازم‏خانه نباشد. تمام دردسرهاى مهمانى و مخارج بيهوده و اضافى از قانع نبودن‏مهمان است.

روزى حرث اعور پيش حضرت على‏عليه‌السلام آمد و عرض كرد: يا اميرالمؤمنين!دوست دارم بر من منت گذاشته و مهمانم شوى.

حضرت على‏عليه‌السلام فرمود: به شرطى كه خود را به‏خاطر من به زحمت‏نيندازى. با اين شرط حضرت وارد منزل او شد.

حرث دست در جيب كرد و چند درهم پول در آورد و آن را به حضرت‏نشان داد و گفت: اگر اجازه مى‏دادى، چيز بهترى خريدارى مى‏كردم.

حضرت فرمود: همين كه در خانه تو موجود است، كافى است و لازم‏نيست‏بيشتر از اين خود را به حمت‏بيندازى. (٣) .

## از غذاى ميزبان به قدر كافى بخورد

كم رويى صفت زشت و ناپسندى است كه در هر كس وجود داشته باشد،براى او ضرر دنيوى و اخروى دارد.

يكى از جاهايى كه اين صفت گريبانگير افراد مى‏شود، هنگام مهمانى است.فرد كم رو به‏خاطر اين‏كه خجالت مى‏كشد، به اندازه كافى غذا نمى‏خورد وگرسنه مى‏ماند و اگر مهمانى طولانى باشد، كم كم ضعيف مى‏شود و قدرتى دربدن او براى عبادت خداوند باقى نمى‏ماند و نمى‏تواند آن‏طور كه بايد خدا راعبادت كند. از طرف ديگر به‏خاطر ضعيف شدن، بيمارى به او هجوم مى‏آوردو او را مريض مى‏كند.

در چنين مواردى ميزبان وظيفه دارد مهمان را در حين غذا خوردن تنهابگذارد، تا هر طور كه مى‏خواهد، غذا بخورد. در غير اين صورت ميزبان‏به وظيفه انسانى خود عمل نكرده است.

يكى از سفارش‏هاى ائمه اطهارعليهم‌السلام به شيعيان اين است كه به‏قدر كافى ازغذاى ميزبان بخورند، و اين دستور عملى نمى‏شود جز با كنار گذاشتن كم رويى.

هشام مى‏گويد: روزى با ابن ابى يعفور به خدمت امام جعفر صادق‏عليه‌السلام رفتم.آن حضرت چاشت طلبيد. هشام گفت: من زياد نمى‏توانم بخورم.

حضرت فرمود: اى هشام! مگر نمى‏دانى محبت مؤمن به برادر مؤمن خودبه‏قدر طعامى است كه از او مى‏خورد; يعنى هر چه او را بيشتر دوست دارد،طعامش را بيشتر مى‏خورد. (٤) .

البته مخفى نماند تمام اين موارد در جايى است كه غذاى ميزبان حرام ياشبهه ‏ناك نباشد. اگر مهمان يقين دارد غذا حرام است، مثلا از مال دزدى ياغصبى و يا شبهه‏ناك است، نبايد حتى يك لقمه از آن را بخورد و اگر خورد، مثل اين است كه قطعه‏اى از آتش را خورده است. بايد از كنار آن سفره‏به‏عنوان نهى از منكر بلند شده، دور شود و حتى اگر برايش امكان دارد،مهمانى را ترك كند.

در روايت است: هر كس يك لقمه حرام از گلويش پايين رود، خداوندعبادات او را تا چهل روز قبول نمى‏كند و دعايش را مستجاب نمى‏نمايد.

## غذاى ميزبان را كم نشمارد

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: مهمانى كه غذاى ميزبان را تحقير كرده وكم شمارد، هلاك شده است. (٥) .

ممكن است ميزبان نتواند غذاى مورد علاقه و در شان مهمان را تهيه كندو از همان غذايى كه خود و خانواده او مى‏خورند، برايش بياورد و اين غذا درنظر مهمان ناچيز باشد. از اين رو مهمان نبايد ميزبان را تحقير كرده و يا به اوطعنه بزند.

غذا هر چه و هر چند كه باشد، نعمت‏خدا است و بايد به‏خاطر آن خدارا شكر گزارى كرده و از ميزبان تشكر نمايد.

مهمان نبايد به كم بودن غذا نگاه كند، بلكه بايد به كسى كه نعمت‏به ظاهركم را به او داده، يعنى خداوند بزرگ نگاه كند، و وقتى بزرگى خدا را نظاره‏كرد، ديگر كم يا ناچيز بودن غذا را نمى‏بيند.

از كنار سفره‏اى كه شراب در آن هست، بلند شود.

نوشيدن شراب حرام است و در قرآن از آن نهى شده است (رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ). (٦) .

بنابراين براى نهى از منكر به ما دستور داده‏اند: اگر به مهمانى دعوت‏شديد و در سفره غذا جام شراب ديديد، از كنار آن سفره بلند شده و مهمانى‏را ترك كنيد.

نشستن در كنار سفره‏اى كه شراب در آن هست و نهى نكردن ديگران،رضايت‏به عمل آنها است و نوعى امر به منكر است، كه گناه بزرگى است.

شخصى به‏نام هارون از امام جعفر صادق‏عليه‌السلام نقل مى‏كند كه روزى يكى ازبزرگان و مسؤولان حكومتى مدينه به مناسبت‏ختنه كردن پسرش عده‏اى رابه منزلش دعوت كرد. از امام صادق‏عليه‌السلام نيز تقاضا كرد در آن جشن شركت كند.

امام‏عليه‌السلام پذيرفت و در مجلس او حاضر شد. همه مشغول خوردن غذابودند كه يك نفر تقاضاى آب كرد. براى او جامى از شراب آوردند. همين كه‏جام رابه دست مرد دادند، امام‏عليه‌السلام غذاى خود را نيمه تمام گذاشت و ازسر سفره برخاست.

عده‏اى علت‏برخاستن حضرت را سؤال كردند، فرمود: پيامبر اسلام‏ صلى‌الله‌عليه‌وآله ‏فرمود: هر كس بر سفره‏اى بنشيند كه در آن شراب نوشيده مى‏شود، ملعون است.

## براى ميزبان ايجاد مزاحمت نكند

بعضى از افراد وقتى به مهمانى مى‏روند، در تمام طول روز از خانه خارج‏نمى‏شوند و به همين‏خاطر زن و بچه ميزبان نمى‏توانند به‏راحتى رفت و آمد كنندو كارهاى شخصى خود را انجام دهند; بنابراين مهمان بايستى توجه داشته‏باشد وقتى به ديدار برادران دينى خود مى‏رود، اگر مرد در خانه نبود و دنبال‏كار خود به بيرون از منزل رفت، او نيز بيرون برود و تا وقتى كه ميزبان به‏خانه برنگشته است، او نيز برنگردد، تا براى خانواده او ايجاد مزاحمت وناراحتى نكند و آنها در آسايش باشند.

## حكايت مهمان ماندگار

مردى به مهمانى دوستش رفت و تمام روز را در خانه او بود و از هرجهت در فرحناكى را بر صاحبخانه بسته بود. وقتى شب شد و هوا رو به‏تاريكى نهاد، صاحبخانه بدون اين‏كه چراغى روشن كند، كنار مهمان نشست وبا او مشغول صحبت و گفت‏وگو شد.

مهمان كه از تاريكى ناراحت و در عذاب بود، هرچه منتظر ماند ميزبان‏چراغى روشن نكرد، تا اين‏كه كاسه صبرش لبريز شد و گفت: خيلى معذرت‏مى‏خواهم! چراغ كجا است تا آن را روشن كنم، چون هوا خيلى تاريك است‏و جايى را نمى‏بينم.

صاحبخانه كه از مهمان ناخوانده حسابى كلافه شده بود، از فرصت‏استفاده كرد و گفت: خداوند مى‏فرمايد: (وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ) (٧) يعنى: وقتى‏شب جامه تاريكى بر آنها پوشاند، از جا حركت كنند و بروند.

مهمان كه از حاضر جوابى ميزبان جا خورده بود، خجلت زده شد و ازخانه بيرون رفت. (٨) .

## به نوع غذا اهميت ندهد

در بين مردم اين‏طور جا افتاده كه اگر كسى را به مهمانى دعوت كردند،يعنى اين‏كه براى او غذاى لذيذى تهيه كرده‏اند و دعوت كردن فقط براى‏خوردن است. شخص دعوت شونده اولين سؤالى كه در ذهنش خطور مى‏كند، اين است كه چه غذايى درست كرده‏اند؟ كى سفره را مى‏آورند؟ چه غذايى رابيشتر و چه غذايى را كمتر بخورد؟

و وقتى كه از مهمانى برگشت، اولين سؤالى كه از او پرسيده مى‏شود،اين است كه، چه غذايى درست كرده بودند؟ خوردى يا نه؟ خوشمزه بود يابد مزه؟ كم بود يا زياد؟

هدف از پذيرفتن دعوت و مهمانى رفتن نبايد پر كردن شكم و لذت‏جسمانى و نوع غذا باشد، بلكه هدف بايد امور معنوى و نزديكى به خدابه اين وسيله باشد، مثلا باخود فكر كند كه من به‏خاطر عمل كردن به سنت‏پيامبر اكرم‏صلى‌الله‌عليه‌وآله به مهمانى مى‏روم، براى نزديكى به خدا و براى اين‏كه دوستى‏ما بيشتر شود، دعوت برادر دينى‏ام را قبول مى‏كنم.

اهميت دادن به غذا و كم و زياد بودن آن از خصايص انسان‏هاى‏نمك‏نشناس است.

## به ميزبان خيانت نكند

از زمان‏هاى قديم تا به حال مرسوم بوده كه اگر كسى نان و نمك كسى راخورد، ديگر نبايد به او خيانت كند; حتى افراد سارق و گناهكار وقتى نمك‏كسى را مى‏خوردند، ديگر به ميزبان خيانت نمى‏كردند و حرمت او را نگه‏مى‏داشتند.

يكى از وظايف مهمان اين است كه وقتى به خانه كسى رفت و نان و نمك‏او را خورد، به هيچ عنوان به او خيانت نكند و بايد جان، مال، ناموس وآبروى ميزبان از طرف او در امان باشد.

اگر يك نفر قطعه‏اى نان را به طرف حيوانى بيندازد، آن حيوان‏تا مدت طولانى هر وقت آن شخص را ببيند، به‏عنوان قدردانى و امتنان با او بد رفتارى نمى‏كند; اما اگر انسان‏ها به ميزبان خود خيانت كنند، از حيوان پست‏تر خواهند بود.

## حكايت حق نان و نمك

يكى از دزدان عرب گويد: روزى در باديه به قبيله‏اى وارد شدم. مردى درآن‏جا در غايت‏شجاعت و نهايت‏سخاوت بود. چون به اميد او وارد شدم،فورى شترى براى من قربانى كرد.

گفتم: بدين تكلف حاجت نيست.

گفت: عادت من اين است كه گوشت مانده به مهمان ندهم.

چند روز آن‏جا بودم. هر روز شترى مى‏كشت و از گوشت آن براى من‏غذا درست مى‏كرد. روزى فرصتى به دست آوردم و شتران او را براندم و بردم.چون اعرابى با خبر شد، از پشت‏سر من آمده، راه بر من گرفت.

وقتى به من رسيد، تيرى در كمان نهاد و گفت: سوسمارى در آن‏جا خفته‏است. اين تير را بر دم سوسمار خواهم زد. تير را رها كرد و دم او را بر زمين‏دوخت.

پس تير ديگرى در كمان نهاد و گفت: اين تير بر مهره پشت‏سوسمارخواهم زد. همان‏طور كه گفته بود، تير بر پشت‏حيوان نشست.

پس تير ديگرى در كمان نهاد و گفت: آماده باش كه اين تير بر سينه توخواهم زد.

گفتم: الله، الله، من شتران را به تو باز مى‏گردانم. دست از من بردار.

گفت: تا شتران را به جايگاه خود بازنگردانى، دست‏بر نمى‏دارم.

پس شتران او را براندم و به چراگاه خود بردم. سپس به من گفت: چه چيزتو را واداشت كه اين‏طور جرات كنى كه شتران مرا ببرى و به من كه ميزبان توبودم، خيانت كنى؟!

گفتم: احتياج و فقر و نيز مى‏ديدم تو اسراف مى‏كردى و هر روز براى من‏شترى قربانى مى‏كردى. باخود گفتم، از مروت تو مرا آسيبى بر نيايد. گله‏شتران براندم تا به مقصود برسم.

گفت: درست است و حق نان و نمك در ميان است. بيست‏شتر راانتخاب كن و براى خودت ببر.

من بيست‏شتر انتخاب كردم و بعد از تشكر از آن‏جا دور شدم. (٩) .

## هر جا صاحبخانه اشاره كرد، بنشيند

حضرت امام محمد باقرعليه‌السلام مى‏فرمايد: هنگامى كه يكى از شما وارد منزل‏برادر دينى خود شد، بايد هر كجا كه صاحب منزل اشاره مى‏كند بنشيند، زيراصاحبخانه به وضع منزل خود و آن قسمت‏هايى كه نبايد آشكار گردد،آشناتر است. (١٠) .

## به نامحرم نگاه نكند

يكى از مواردى كه مهمان بايد با دقت آن را مراعات كند، نگاه نكردن به‏محارم ميزبان است، زيرا اگر خداى نخواسته كسى مهمان برادر دينى خود شد و در آن‏جا نتوانست جلو خود را بگيرد، خيانت‏بسيار بزرگى را مرتكب شده است.

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: نظر و نگاه يكى از تيرهاى زهر آگين‏شيطان است، و چه بسايك نگاه سبب حسرت و ندامت طولانى بشود. (١١) .

## در وقت معين و مقرر حاضر شود

مهمان نبايد مهمانى رفتن را به تاخير بيندازد تا صاحبخانه يا مهمانان‏ديگر در انتظار بمانند، همان‏طور كه اگر موقع معينى را تعيين كرده‏اند، نبايدزودتر به مهمانى برود، زيرا ممكن است ميزبان آمادگى استقبال و پذيرايى‏نداشته باشد و به اين وسيله خجلت زده شود.

وقتى كه مهمانى تمام شد، فورى آن‏جا را ترك كند و زياد در خانه ميزبان‏نماند و مجالست را طولانى نكند، چون اين كار علاوه بر اين‏كه موجب‏مزاحمت‏براى ميزبان مى‏شود، وقت مهمان نيز ضايع مى‏گردد. انسان بايدحداكثر استفاده را از وقت‏بنمايد، زيرا فرداى قيامت از عمر ما سؤال مى‏كنندكه در چه راهى آن را گذرانديم.

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: وقتى روز قيامت مى‏شود، هيچ قدمى‏برداشته نمى‏شود مگر اين‏كه از انسان در مورد چند چيز سؤال مى‏شود، كه‏يكى از آنها عمر است، كه مى‏پرسند در چه راهى عمرت را فنا كردى. (١٢) .

## بدون اجازه ميزبان روزه مستحبى نگيرد

امام محمد باقرعليه‌السلام از رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل مى‏كند كه آن حضرت‏فرمود: وقتى يك نفر وارد شهرى و داخل خانه كسى شد، مهمان او خواهدبودتا زمانى كه از آن‏جا برود و سزاوار نيست مهمان بدون اجازه ميزبان‏روزه مستحبى بگيرد، تا اگر براى او غذايى درست كردند، خراب نشود. (١٣) .

ثواب اجابت دعوت برادر دينى بيشتر از روزه مستحبى است. لذاائمه‏عليهم‌السلام دستور داده‏اند وقتى براى مهمانى دعوت شديد، روزه نگيريد و اگرروزه بوديد، بدون اين‏كه به ميزبان خود بگوييد روزه هستم، روزه خود رابخوريد و دعوت برادر دينى خود را رد نكنيد، تا هم ثواب روزه نصيب شماشود و هم ثواب مهمانى.

بعضى از علما مانند محقق حلى فرموده‏اند: فرقى بين روزه مستحبى و غيرمستحبى كه واجب موسع است، نيست و اجابت دعوت برادر دينى در هرحال لازم است.

## براى ميزبان دعا كند

وقتى ميزبان در كمال بذل و بخشش تمام امكانات شخصى خود اعم ازغذا، جا، لباس و ... را در اختيار مهمان قرار مى‏دهد، مهمان نيز وظيفه داردبراى ميزبان و خانواده او دعا و از آنها تقدير و تشكر كند، زيرا تشكر از بنده‏خدا شكرگزارى از خدا است.

روزى يكى از ياران امام جعفر صادق‏عليه‌السلام غذايى براى آن حضرت آورد.حضرت وقتى از آن غذا ميل كرد، فرمود: خداى را شكر و به صاحب غذاگفت: خداوند غذايت را به افراد نيكوكار بخوراند و ملائكه مقرب به تونيكى كنند (١٤) (خدا به تو بركت‏بدهد).

## اسرار ميزبان را حفظ كند

همان‏طور كه ميزبان بايد اسرار مهمان را حفظ كند و عيوب او را نقل‏نكند، مهمان نيز وظيفه دارد اسرار ميزبان را حفظ كند و آبروى او را نبرد،مگر در يك مورد كه اجازه داده شده آن را نقل كنيم و آن جايى است كه‏ميزبان خوب مهماندارى نكند.

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: كسى كه عده‏اى را مهمان كند و خوب‏مهماندارى نكند، در حق مهمانان خود ظلم كرده و مهمانان حق دارند در اين‏مورد از ميزبان خود غيبت كنند. (١٥) .

در اين موارد نيز مجال عفو و گذشت هست، يعنى اگر مهمان كوتاهى‏ميزبان خود را عفو كند و آن را در جايى نقل نكند، بهتر است، چون‏ممكن است كوتاهى او به‏خاطر مشكلى بوده كه براى او به وجود آمده و يابيش از آن قدرت پذيرايى نداشته است.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پى‏نوشتها:

١) بحارالانوار ، ج ٢٢ ، ص ٣٨٤ ، ح ٢٣ .

٢) وسائل‏الشيعه ، ج ١٦ ، ص ٤٣٣ ، ح ١٣ .

٣) همان ، ص ٤٣١ ، ح ١ .

٤) حلية المتقين ، ص ٥٩ .

٥) وسائل‏الشيعه ، ج ١٦ ، ص ٤٣١ ، ح ٢ .

٦) مائده (٥) آيه ٩٠ .

٧) بقره (٢) آيه ٢٠ .

٨) حكايت‏ها و لطيفه‏ها ، ص ٢٠ ، با اندكى تصرف .

٩) جوامع الحكايات ، ص ٢٠٩ ، با اندكى تصرف .

١٠) بحارالانوار ، ج ١٥ ، ص ٢٤٠ .

١١) عقاب الاعمال ، ص ٦٠٤.

١٢) تحف العقول ، ح ٤٥ .

١٣) علل الشرايع ، ص ٣٨٤ .

١٤) المحاسن ، ص ٤٣٩ ، ح ٢٩٥ .

١٥) وسائل‏الشيعه ، ج ٨ ، ص ٦٠٥ ، ح ٦ .

# بخش پنجم: آداب مهمانى

كسى كه مى‏خواهد به مهمانى برادر دينى‏اش برود، قبل از هر چيز بايد امورى‏را مراعات كند. بعضى از اين امور برگرفته از بيانات شيواى ائمه اطهارعليهم‌السلام ‏هستند و بعضى ديگر مراعات كردن آنها از نظر اخلاقى وعرفى برما لازم‏است كه بامراعات كردن آنها، سعادت دنيوى واخروى نصيب ما خواهد شد.

## بدون اطلاع قبلى به مهمانى نرود

اگر كسى بخواهد بدون دعوت به منزل كسى برود و مهمان شود، قبل ازهر چيز بايد به هر وسيله كه امكان دارد صاحبخانه را در جريان بگذارد وبه هيچ‏وجه سرزده وارد خانه كسى نشود، جز در موارد ضرورى كه‏اطلاع دادن ممكن نباشد.

خداوند تبارك و تعالى مى‏فرمايد: ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ; )(١) اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! درخانه‏هايى غير از خانه خود وارد نشويد تا اين‏كه اجازه بگيريد و براهل آن‏خانه سلام كنيد».

ميزبان بايد از قبل آمادگى پذيرايى از مهمان را داشته باشد، و اگر كسى‏سرزده وارد خانه برادر دينى‏اش شود، امكان دارد چيزى در خانه براى‏خوردن نداشته باشد و غذاى زن و بچه خود را براى او بياورد و حق آنها راضايع نمايد، و يا اين‏كه ازاين جهت كه نتوانسته از مهمان پذيرايى كند،خجالت‏بكشد و خداى نخواسته براى تامين معاش مهمان دست‏به كارخلاف شرع بزند.

## دزدى براى مهمان

مدتى پيش در صفحه حوادث جرايد نوشته بودند: شخصى كه دست‏به‏سرقت از همسايه ديوار به ديوار خود زده بود، به دام افتاد. وى در بازجويى‏كه از او به عمل آمد، اعتراف كرد: چون نتوانسته است از مهمانى كه برايش‏رسيده بود، خوب پذيرايى كند و حق او را ادا نمايد، دست‏به سرقت زده تاپولى به دست آورده و غذايى براى مهمان عزيزش فراهم آورد. پليس به صدق‏گفته‏هاى وى پى برد و او را آزاد نمود!

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: كسى كه بى دعوت به خانه‏اى رفته وغذايى بخورد، قطعه‏اى از آتش را خورده است. (٢) .

غذايى كه مهمان ناخوانده مى‏خورد، حق زن و بچه صاحبخانه بوده است‏كه اوبا ورود بى موقع خود آنها را از حقشان محروم كرده است. حق‏الناس‏فرداى قيامت‏به صورت آتش شده و به خورد انسان داده خواهد شد.

چه بسابسيارى از افراد كه مى‏خواهند به مسافرت بروند و يا دنبال‏كار واجبى روانه گردند، اما به‏خاطر رسيدن مهمان ناخوانده، از كار وزندگى عقب مى‏مانند و در بعضى مواقع ضررهاى جبران‏ناپذيرى برصاحبخانه وارد مى‏شود.

اما اگر مهمان از قبل اطلاع داده بود ميزبان او را از مشكل خود باخبرمى‏كرد و مهمان مى‏توانست‏به جاى ديگرى برود و يا اين‏كه ميزبان برنامه‏خود را عوض كرده و خود را براى پذيرايى از او آماده بكند.

## حكايت درد سر بزرگ

يكى از دوستانم تعريف مى‏كرد: روزى تصميم گرفتم براى تفريح وهواخورى و صله ارحام دست زن و بچه را بگيرم و سفرى به اصفهان داشته‏باشم، تا هم سرى به فاميل بزنم و هم خستگى كار از تنم برود.

روز پنج‏شنبه تمام لوازم سفر را آماده كرديم و در صندوق عقب ماشين‏جا داديم تا براى سفر به منزل برادرم كه در اصفهان بود برويم، اما براى اين كه سرزده وارد شده باشيم، تلفنى به او نزدم و سر ساعت‏با هزار ذوق و شوق حركت كرديم.

اوايل شب وارد اصفهان شديم و مستقيم به منزل برادرم رفتيم. وقتى به‏آن‏جا رسيديم، يكى از بچه‏ها با خوشحالى به سمت زنگ پريد وانگشت روى‏آن گذاشت. ماهمگى منتظر باز شدن در بوديم، اما هرچه منتظر مانديم،خبرى نشد. دوباره و سه باره زنگ زديم، اما انگار هيچ‏كس در خانه نبود.زنگ در خانه همسايه را به صدا در آورديم و از آنها احوال برادرم راپرسيديم. گفتند: خانه برادرش در قم است. امروز ظهر رفته‏اند، آن‏جا سربزنند.

وقتى به قضيه پى برديم، فهميديم آنها هم مثل ما فكر كرده‏اند وخواسته‏اند بى خبر مهمان ما شوند!

از آن روز به بعد تصميم گرفتيم هرجا خواستيم براى مهمانى برويم، قبلاآنها را به‏وسيله تلفن يا نامه خبردار كنيم تا دچار گرفتارى نگرديم.

## فرزند خود را همراه نبرد

اگر كسى براى مهمانى دعوت شد، در صورتى كه بداند ميزبان فقط شخص او را دعوت كرده، حق ندارد كس ديگرى را همراه ببرد حتى فرزندخود را هم نمى‏تواند همراه ببرد، در غير اين صورت گناه بزرگى را مرتكب‏شده است.

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: وقتى براى خوردن غذا دعوت شديد،فرزند خود را همراه نبريد، زيرا اين كار معصيت‏بوده و غذا خوردن آن بچه‏حرام است. (٣) . بچه تكليفى نسبت‏به خوردن غذاى حلال و حرام ندارد، اما خوردن‏غذاى حرام علاوه بر اين‏كه اثر وضعى بر روح و روان كودك مى‏گذارد، پدرآن بچه هم كه او را همراه برده است، معصيت‏كار محسوب مى‏شود فرداى‏قيامت‏بايد جوابگوى عمل خلاف شرع خود باشد.

ولى اگر مى‏داند ميزبان راضى است كه كس ديگرى را همراه خود ببرد، دراين صورت همراه بردن بچه و ديگران اشكالى ندارد. معمولا دعوت‏هايى كه ‏از طرف برادران دينى مى‏شود، اين نكات نيز مراعات مى‏گردد.

## در مهمانى بدون اجازه غذا نخورد

اگر ميزبان غريبه باشد (از برادران دينى نباشد) تا وقتى كه اجازه نداده‏است نبايد كسى چيزى بخورد، چون درست است كه به‏طور رسمى به مهمانى‏دعوت شده است و بدون دعوت نيامده، اما خوردن غذا بايد با اجازه باشد.

اما اگر ميزبان برادر دينى انسان باشد، در اين صورت چون خداوند كريم‏اجازه داده كه مؤمنان از اموال يكديگر بخورند، مى‏تواند بدون اجازه غذا وچيزهاى ديگر بخورد.

خداوند تبارك و تعالى در اين مورد مى‏فرمايد: ( وَلَا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَن تَأْكُلُوا مِن بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُم مَّفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ ۚ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا)(٤) و باكى برشما نيست كه از خانه‏هاى خود و پدران خود و مادرانتان و برادران‏و خواهران و عمو و عمه و دايى و خاله خويش غذا تناول كنيد يا آن‏كه از هرجا كه كليد آن در دست‏شما است‏يا خانه رفيق خود باكى نيست كه ازمجموع ياهر يك از اين خانه‏ها طعام خوريد».

محمد حلبى مى‏گويد: از امام صادق‏عليه‌السلام در مورد اين آيه كه خداوندمى‏فرمايد:( لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِندِ اللَّـهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّـهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ )پرسيدم:معنى قول خداوند كه فرموده «او صديقكم‏» چيست؟

حضرت فرمود: به خدا قسم! اين مربوط به وقتى است كه انسان به خانه‏برادر دينى‏اش مى‏رود و بدون اجازه از غذاهاى خانه او مى‏خورد و استفاده‏مى‏كند. (٥) . فضل بن يونس مى‏گويد: روزى در منزلم نشسته بودم كه خادمم داخل شدو گفت: شخصى دم در منزل است كه نامش موسى بن جعفر است و شما رامى‏خواهد.

گفتم: اى غلام! اگر اين شخص همان كسى باشد كه من گمان كرده‏ام، تو رادر راه خدا و به شكرانه اين مژده آزاد مى‏كنم.

من جلو در رفتم و ديدم امام موسى كاظم‏عليه‌السلام است. تعارف كردم و آن‏حضرت داخل شد. خواستم حضرت را بالاى اتاق بنشانم، حضرت فرمود:اى فضل! صاحبخانه بايد بالا بنشيند مگر آن‏كه مهمان از سادات باشد.عرض كردم: شما هم كه از سادات هستيد. پس بفرماييد بالا بنشينيد.آن‏گاه گفتم: فدايت‏شوم! غذايى براى دوستانمان مهيا ساخته‏ام. اگر اجازه‏بفرماييد آن را حاضر كنم تا شما هم ميل كنيد.

حضرت فرمود: اى فضل! مردم از خوردن اين‏گونه غذاها بدون دعوت به‏منزلى رفتن و غذا خوردن كراهت دارند، ولى من اشكالى در آن نمى‏بينم.

به غلام گفتم: مقدمات غذا را فراهم كن و آب و تشت‏براى شستن‏دست‏ها بياور. او ظرف آب را ابتدا نزد حضرت آورد، ولى آقا فرمود:هر چيزى حدى دارد.

عرض كردم: حد اين كار چيست؟

فرمود: اين است كه ابتدا صاحبخانه دست‏هايش را بشويد تا مهمانان‏نشاط پيدا كنند و با بسم الله شروع كرده و به حمد خدا ختم كند. (٦) .

## به‏خاطر دورى راه از پذيرش دعوت سرباز نزند

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: اگر مرا براى خوردن غذا به محلى كه‏مسافتى طولانى با مدينه دارد، دعوت كنند، قبول مى‏كنم. (٧) .

## به‏خاطر روزه مستحبى دعوت برادر مؤمنش را رد نكند

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: روزه‏دارى كه بر برادر دينى‏اش وارد شودو در نزد او غذا بخورد و از روزه خود به او چيزى نگويد و بر او منت‏نگذارد، خداوند ثواب روزه يك سال را براى او ثبت مى‏فرمايد. (٨) .

روزه‏اى كه در اين روايت‏شريفه اجازه خوردن آن داده شده، روزه‏مستحبى است، چون روزه واجب را نمى‏توان باطل كرد، مگر اين‏كه واجب‏موسع باشد.

## جايى كه غذايش حرام يا شبهه ناك است، نرود

خوردن غذاى حرام، علاوه بر اين‏كه عذاب اخروى دارد، در دنيا نيز اثروضعى بر جاى مى‏گذارد و انسان را از خدا دور مى‏كند.

هدف از مهمانى دادن و به مهمانى رفتن، نزديكى به خدا و جلب رضايت‏اواست، اما اگر اين مهمانى به علت‏حرام بودن غذاى ميزبان موجب دورى‏انسان از خدا و استحقاق غضب او شود، فايده ندارد و كسى نبايد به‏خاطرانجام يك عمل مستحبى، مرتكب عملى حرام گردد.

## بدون دليل، دعوت برادرش را رد نكند

رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: عاجزترين مردم كسى است كه برادردينى‏اش او را دعوت به مهمانى كند و او بدون دليل و از روى هواى نفس‏دعوت او را قبول نكند. (٩) .

## فرقى بين مهمانى رفتن به خانه فقرا و اغنيا نگذارد

مهمانى رفتن ثواب دارد، اما برترى بين فقرا و اغنيا نيست; يعنى اين‏طورنيست كه مهمانى در خانه اغنيا ثوابش بيشتر و در خانه فقرا كمتر باشد و يامهمانى در خانه فقرا ثوابش بيشتر باشد.

روزى امام حسن مجتبى‏عليه‌السلام به عده‏اى از فقرا برخورد كرد، در حالى كه‏پاره نانى در پيش داشتند و مى‏خوردند.

وقتى چشمشان به امام حسن‏عليه‌السلام افتاد، گفتند: يابن رسول‏الله! بفرما با ماغذا ميل كن!

حضرت از اسب فرود آمد و در خوردن با آنها همراهى كرد و فرمود:خداى متعال متكبران را دوست ندارد، و بعد از غذا فرمود: فردا شما نيزدعوت مرا اجابت كنيد و به مهمانى من بياييد.

روز بعد حضرت براى آنها غذايى نيكو آماده كرد و همراه آنها در منزل‏خود غذا ميل فرمود. (١٠) .

## دعوت شخص منت‏گذار را نپذيرد

اگر مهمان مى‏داند ميزبان بر وى منت‏خواهد نهاد، از اجابت دعوت‏خوددارى كند، زيرا با پذيرش دعوت او، در آينده پشيمانى به بار خواهد آمد.

و نيز اگر كسى به‏خاطر مهمانى دادن از انسان انتظاراتى داشته باشد وبه تعبيرى به او رشوه بدهد تا براى او كارى غير قانونى انجام دهد، نبايددعوت او را قبول كند.

## در مجلس مهمانى از برادر دينى اش غيبت نكند

يكى از جاهايى كه معمولا در غيبت‏باز مى‏شود و غيبت نقل مجلس‏مى‏گردد، هنگام مهمانى است. در اين‏جا است كه مؤمن بايد جلو خود رابگيرد تا از ديگران غيبت نكند و اگر در آن مجلس از كسى غيبت‏شد،جلوگيرى و نهى از منكر كند.

امام محمد باقرعليه‌السلام مى‏فرمايد: هر كس نزد او از برادر مؤمنش غيبتى بشودو وى از او دفاع بنمايد و ياريش كند، خداوند او را در دنيا و آخرت‏نصرت نمايد و هر كس نزد او غيبت‏برادر مؤمنش بشود و او را نصرت ويارى نكند و از او دفاع ننمايد با اين‏كه قدرت آن را داشته باشد كه از اوپشتيبانى كند و با اين حال ترك كند، خداوند او را در دنيا و آخرت ناچيز وحقير مى‏گرداند. (١١) .

اگر مى‏تواند از غيبت ديگران جلوگيرى كند، بايد آن كار را انجام دهدوگرنه بايد مجلس را به‏عنوان اعتراض ترك كند تا غيبت را نشنود.

## به اهل خانه سلام كند

سلام كردن يك سنت الهى است كه خداوند عزيز در قرآن كريم بر آن‏تاكيد كرده و خود نيز بارها به پيامبران و شهدا سلام كرده و به ما نيز دستورداده است: وقتى به خانه كسى وارد مى‏شويد، به اهل خانه سلام كنيد: ( فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِندِ اللَّـهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّـهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ )(١٢) و هر گاه بخواهيد به‏خانه‏اى داخل شويد خست‏برخود سلام كنيد كه اين تحيت و سلام بركتى‏نيكو از جانب خدا است‏».

رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: كسى كه داخل خانه شود، سلام كند كه سبب بركت مى‏شود و ملائكه در آن خانه انس مى‏گيرند. (١٣) .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پى‏نوشتها:

١) نور (٢٤) آيه ٢٧ .

٢) كيمياى سعادت ، ص ٢٣٠ .

٣) وسائل‏الشيعه ، ج ١٩ ، ص ١١ ، ح ١ .

٤) نور (٢٤) آيه ٦١.

٥) وسائل‏الشيعه ، ج ١٦ ، ص ٤٣٤ ، ح ١ .

٦) بحار الانوار ، ج ١٧ ، ص ٢٠٠ .

٧) قرب الاسناد ، ص ١٦٣ .

٨) بحارالانوار ، ج ١٧ ، ص ٢٠٦ .

٩) وسائل‏الشيعه ، ج ١٦ ، ص ٤٢٨ ، ح ٩ .

١٠) كيمياى سعادت ، ص ٢٣٧ ، با كمى تصرف .

١١) عقاب الاعمال ، ص ٥٧٠ .

١٢) نور (٢٤) آيه ٦١ .

١٣) حلية المتقين ، ص ٢٢٣ .

#  بخش ششم: مدت مهمانى

هر كارى حد و اندازه‏اى دارد كه اگر از حد خود بگذرد، ديگر زشت وناپسند خواهد شد; مثلا غذا خوردن در هنگام گرسنگى كارى است‏خوب وپسنديده، اما اگر تبديل به پرخورى شود، ناپسند خواهد بود. در عبادات نيزاين‏طور است; اگر عبادت از حد خود گذشت، اسلام از آن نهى كرده است;يعنى طورى شد كه تمام كار و زندگى انسان عبادت كردن باشد، چون اين كارموجب ضربه‏زدن به خانواده مى‏شود.

مهمانى رفتن نيز مانند ساير اعمال واجب و مستحب، كارى بسيار خوب‏و خداپسند است و مورد سفارش ائمه اطهارعليهم‌السلام مى‏باشد كه انسان بايد برادردينى‏اش را به مهمانى دعوت كند و خود نيز به مهمانى برود.

اما حد و اندازه مهمانى چقدر است و انسان تا چند روز مجاز است درخانه برادر دينى‏اش بماند؟ آيا تا هر وقت كه دلش خواست مى‏تواند در آن‏جابماند و هر وقت‏خواست، برگردد؟ آيا اسلام حد و اندازه‏اى براى مهمانى‏رفتن تعيين كرده است؟

## مهمانى سه روز است

دين مقدس اسلام براى مهمانى نيز مانند ساير كارها، مدت معينى راتعيين كرده و گفته است مؤمنان تا اين مدت مى‏توانند بدون ايجاد مزاحمت وبا آرامش در خانه برادر دينى‏شان بمانند، و بعد از اين مدت بايد براى خودفكرى كنند و به عنوان مهمان نمى‏توانند در آن‏جا بمانند وگرنه سربار ديگران‏خواهند بود.

رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: اندازه و مدت مهمانى سه روز است.پس هر چه بيشتر از سه روز بماند، صدقه براى صاحبخانه محسوب‏مى‏شود. (١) .

از اين روايت استفاده مى‏شود نهايت مهمانى سه روز است و بيشتر ازسه روز مانند صدقه‏اى است كه صاحبخانه به مهمان مى‏دهد، كه اگر مستحق‏نباشد، نبايد از صدقه استفاده كند، زيرا صدقه مال فقرا و مستمندان است.

## لطيفه: مهمان چهل روزه

روزى ظريفى به مهمانى دوستش رفت و سه شبانه روز در خانه او ماند.صاحبخانه از دست مهمان به تنگ آمد و به زن خود گفت: من ديگرخسته شده‏ام. اين مرد تا كى مى‏خواهد اين‏جا بماند؟!

زن جواب داد: من هم مثل تو خسته شده‏ام، اما ناراحت نباش! الآن‏معلوم مى‏كنم تا چه مدت اين‏جا مى‏ماند.

زن نزد مهمان آمد و گفت: اى مهمان عزيز! تو را به آن خدايى كه تو راسه شبانه روز مهمان ما گردانيد و فردا روزى تو را در جاى ديگر خواهد داد،قسم مى‏دهم چون شوهرم بر من جفا مى‏كند، او را نصيحت كنى تا سر عقل‏بيايد و مرا اذيت و آزار نرساند!

در اين اثنا شوهر نيز وارد شد و در كنار زن جاى گرفت.

مهمان روى به شوهر زن كرد و گفت: اى رفيق عزيز! تو را به آن خدايى‏كه در اين چهل روز مرا مهمان شما ساخته و روزى مرا بر خوان احسان شمانوشته، قسم مى‏دهم از اين به بعد بر زن جفا نكنى. (٢) .

## زياد در خانه ميزبان نماند

متاسفانه بعضى از مؤمنان وقتى به مهمانى دوست و يا فاميل خودمى‏روند، آن‏قدر آن‏جا مى‏ماند كه صاحبخانه مجبور مى‏شود تمام حقوق‏يك ماهه خود را براى آنها خرج كند و در عين حال از مغازه قرض گيرد وچيزى از حقوق او باقى نمى‏ماند كه كمبودهاى خانواده‏اش را تامين كند،در حالى كه تمام خانواده اعم از زن و بچه‏ها از آن حقوق ماهيانه حقى دارندو مرد بايد اداى حقوق آنها را بكند، و با وجود مهمان چيزى باقى نمى‏ماند.

دين اسلام از اين عمل بسيار زشت‏شديدا نهى كرده و دستور داده است‏آن‏قدر در خانه دوست‏خود نمانيد كه به رنج و زحمت‏بيفتد.

رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: مهمانى سه روز است، و بعد از سه روزصدقه‏اى است كه براى صاحبخانه نوشته مى‏شود. كسى حق ندارد به‏عنوان‏مهمان بر برادر دينى خود وارد شود تا آن‏كه او را با خودش به گناه اندازد.

يكى از اصحاب پرسيد: اى رسول‏خدا! چگونه به گناهش اندازد؟

حضرت فرمود: تا آن‏كه چيزى برايش نماند كه با آن زندگى كند. (٣) .

## لطيفه مهمان پر رو

مردى به منزل يكى از اقوامش رفت و آن‏قدر در آن‏جا ماند كه صاحبخانه‏به ستوه آمد و خسته شد.

روزى صاحبخانه به او گفت: چون اقامت‏شما در اين‏جا طول كشيده،ممكن است عيال و بچه‏هاى شما نگران شوند و فكر كنند براى شما اتفاقى‏افتاده است. بهتر است‏سرى به آنها بزنى.

مهمان پر رو گفت: بله، اتفاقا امروز خود من هم به همين فكر افتادم كه‏ممكن است‏خانواده نگران شوند، و به همين جهت‏به آنها نامه نوشتم تاهمگى به اين‏جا بيايند! (٤) .

## ميزبان را فرارى ندهد

رسول اكرم‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: «مهمانى سه روز و كمتر از سه روز است، وهيچ مسلمانى حق ندارد آن‏قدر مهمان برادرش شود كه او را فرارى دهد!».

يكى از اصحاب پرسيد: چگونه او را فرارى مى‏دهد؟!

فرمود: «وقتى ديگر هيچ چيزى براى خوردن نداشته باشد، از خانه فرارى‏مى‏شود». (٥) .

اين‏همه سفارشى كه در اسلام براى پذيرايى از مهمان شده كه انسان‏بايد به او خدمت كند، نگذارد به مهمان سخت‏بگذرد، مخصوص اين‏سه روز است; يعنى در اين سه روز مهمان است و بايد با او مانند مهمان‏رفتار شود، اما وقتى از سه روز گذشت، بايد با او مانند يكى از اهل خانواده‏رفتار شود و هر چه براى زن و بچه فراهم مى‏شود و در خانه موجود است،براى مهمان نيز بياورند و وى نيز نبايد انتظار پذيرايى بيشتر از آن راداشته باشد.

رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: مهمان دو شب مى‏تواند در خانه‏ميزبان بماند و وقتى شب سوم شد (سه روز گذشت) او نيز يكى از اهل خانه‏محسوب مى‏شود و هر چه گيرش آمد، بايد بخورد و انتظار پذيرايى بيشتر رانبايد داشته باشد. (٦) .

## بيشتر از سه روز را كار كند

اگر مهمانى از سه روز گذشت و به هر دليل مهمان نتوانست‏برود، وظيفه‏ديگرى بر عهده‏اش مى‏آيد و آن اين‏كه، او بايد در عوض مدتى كه در منزل‏صاحبخانه مى‏ماند، براى آنها كار كند و يا در كارهاى خانه كمك كند. و اگربرايش ممكن نبود، بايد دنبال كار بگردد و به اين وسيله پولى به دست آورده وبراى خود و اهل آن خانواده غذا تهيه كند.

متاسفانه بعضى از افراد به عادت بدى مبتلا شده‏اند و آن اين‏كه وقتى به‏مهمانى كسى مى‏روند، بدون توجه به درآمد آن خانواده، يك هفته، دو هفته‏و حتى يك ماه مى‏مانند، غذاى آماده ميل مى‏كنند و به تعبيرى خوش‏مى‏گذرانند، بدون اين‏كه كوچك‏ترين كمكى به آن خانواده كنند.

## حكايت كار كردن به‏جاى خوردن صدقه

از جمله كسانى كه در زمان حكومت هارون‏الرشيد فرارى شد و خود راپنهان كرد، قاسم بن موسى بن جعفرعليهم‌السلام است كه از ترس جان خويش‏به طرف شرق متوارى گشت.

روزى در كنار فرات راه مى‏رفت. چشمش به دو دختر كوچك افتاد كه‏بايكديگر بازى مى‏كردند. يكى از آنها براى اثبات ادعاى خود گفت: نه،اين‏طور نيست‏به حق امير، صاحب بيعت در روز غدير!

قاسم جلو رفت و پرسيد: منظورت از امير كيست؟

دختر گفت: مرادم ابوالحسن پدر امام حسن و امام حسين‏عليهم‌السلام است.

قاسم خشنود شد كه به محل دوستان اجداد خود رسيده است. از اين روگفت: دختر خانم! آيا مرا نزد رئيس قبيله راهنمايى مى‏كنى؟

دختر جواب داد: آرى، اتفاقا پدر خودم رئيس قبيله است. دختر از جلورفت و قاسم هم از پشت‏سر حركت كرد. قاسم خود را به پدر دخترمعرفى كرد.

قاسم سه روز با كمال احترام و پذيرايى شايسته به‏عنوان مهمان درآن‏جا ماند. روز چهارم پيش رئيس قبيله رفت و گفت: شنيده‏ام از كسى كه‏پيامبر اكرم‏صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: مهمان بودن سه روز است، و بعد از آن هرچه بخورد،از باب صدقه و انفاق خواهد بود. به اين جهت دوست ندارم از صدقه‏استفاده كنم. تقاضا دارم مرا به كارى وادارى كه مشغول آن شوم تا آنچه‏مى‏خورم، صدقه نباشد.

شيخ گفت: بعدا كارى كه در شان تو باشد برايت تهيه مى‏كنم. ولى قاسم‏درخواست كرد آب دادن به مجلس خود را به او واگذارد.

شيخ پذيرفت و آن كار را به او محول كرد.

مدتى قاسم در آن‏جا به همين كار اشتغال داشت، تا اين‏كه نيمه شبى‏پيرمرد از اتاق بيرون رفت. قاسم را ديد كه در دل شب به پيشگاه پروردگاردست نياز دراز كرده و با توجه مخصوصى غرق مناجات است و هيچ چيز اورا به خود مشغول نمى‏كند.

از ديدن حال قاسم محبتى از او در دلش جاى گرفت.

صبح كه شد، بستگان خود را جمع كرد و گفت: مى‏خواهم دخترم را به اين‏مرد صالح و پرهيزگار تزويج كنم.

همه قبول كردند و شيخ دختر خود را به ازدواج او درآورد. خداوند به‏قاسم دخترى عنايت كرد. آن بچه دوران كودكى را تا سه سالگى گذراند. دراين موقع قاسم مريض شد و بيماريش شديد گرديد.

روزى شيخ بالاى سر قاسم نشسته بود. از خانواده و فاميل او سؤال كرد وقاسم جواب‏هايى داد كه شيخ را وادار به كنجكاوى بيشتر كرد و متوجه‏قسمتى از جواب‏هاى قاسم شد.

پيرمرد پرسيد: فرزندم! شايد تو هاشمى باشى؟

قاسم گفت: بله، من قاسم بن موسى بن جعفرعليهم‌السلام هستم.

پيرمرد بر سر و صورت خود زد و گفت: چقدر پيش پدرت‏موسى بن جعفرعليهما‌السلام شرمنده شدم از اين‏كه تو را به كار گرفتم.

قاسم پوزش خواست و جواب داد: تو مرا گرامى داشتى و از من‏پذيرايى كردى. ان‏شاءالله با ما در بهشت‏خواهى بود.

قاسم بعد از اين‏كه وصيت‏هاى خود را كرد و از همه حلاليت طلبيد،دختر خود را به پيرمرد سپرد و رحلت كرد.

شيخ نيز دختر قاسم را به مادر بزرگش رساند و او را تحويل داد. (٧) .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پى‏نوشتها:

١) مستدرك الوسائل ، ج ١٦ ، ب ٣٢ ، ص ٢٥٥ .

٢) حكايت‏ها و لطيفه‏ها ، ص ٥٠ ، با اندكى تصرف .

٣) فروع كافى ، ج ٦ ، ص ٢٨٣ ، ح ٢ .

٤) گنجينه لطايف ، ص ٤٢٥ ، با اندكى تصرف .

٥) مستدرك الوسائل ، ج ١٦ ، ب ٣٢ ، ص ٢٥٥ .

٦) وسائل‏الشيعه ، ج ١٦ ، ب ٣٦ ، ص ٤٥٦ .

٧) شجره طوبى ، ص ٢١٠ ، با اندكى تصرف .

#  بخش هفتم: چه كسى را به مهمانى دعوت كنيم؟ چه موقع مهمانى بدهيم؟

ثوابى كه از مهماندارى نصيب انسان مى‏شود، مراتب آن مختلف است.هر مرتبه‏اى ثواب مخصوص به خود را دارا است و اين‏طور نيست كه ماهر كس را كه دلمان خواست و به مهمانى دعوت كرديم، ثواب كامل‏مهماندارى را برده باشيم.

دعوت كردن افراد نيز فرق مى‏كند يعنى بايد افراد را با اولويت‏به مهمانى‏دعوت كرد كه مراتب آن در روايات ائمه اطهارعليهم‌السلام ذكر گرديده است.

## ابتدا خويشان و نزديكان را دعوت كند

صله رحم يكى از دستورهاى دين اسلام است. هر مؤمنى وظيفه دارد بافاميل خود رفت و آمد كند و با آنها قطع رابطه ننمايد، زيرا قطع صله رحم‏جزو محرمات است كه خداوند تبارك و تعالى به قطع‏كننده صله رحم وعده‏عذاب داده است.

يكى از مواردى كه نزديكان اولويت دارند، دعوت به مهمانى است.انسان بايد اول فاميل‏هاى خود را چه سببى و چه نسبى دعوت كند، بعدنوبت‏به افراد ديگر مى‏رسد. اين كار موجب رضايت‏خداوند عزيز مى‏گردد ونيز آدمى به وظيفه انسانى خود كه دعوت به مهمانى است، عمل كرده است.

البته در بين فاميل اولويت‏ باكسانى است كه متدين‏تر باشند، اگر كسى‏فاميلى دارد كه متدين نيست، حق ندارد اول او را دعوت كند، بلكه بايد ابتدامؤمنان و برادران دينى خود را دعوت كند و بعد نوبت‏به آن شخص مى‏رسد.

## دعوت كردن شيعيان

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: اگر من يكى از شيعيان خود را به مهمانى‏دعوت كنم، بهتر است در نزدم كه افقى از مردم را اطعام كنم.

راوى مى‏گويد: از حضرت پرسيدم: افق چقدر است؟

فرمود: يكصد هزار نفر از مردم. (١) .

در اين زمان كه تمامى قدرت‏هاى شيطانى عليه شيعيان قيام كرده‏اند وبه هر وسيله قصد ضربه زدن به اسلام ناب محمدى را دارند، بر ما شيعيان‏لازم است هرچه بيشتر به هم نزديك شويم، با هم رفت و آمد داشته باشيم، تا اتحاد ميان ما زيادتر شود و در نتيجه نقشه دشمنان از بين برود. از جمله‏كارهايى كه مى‏شود براى جلوگيرى از اين‏گونه تهاجمات به كار گرفت،مهمانى است. ما با دعوت كردن يكديگر و به مهمانى رفتن مى‏توانيم بيشتربا هم انس بگيريم و با بررسى توطئه‏ها و راه مبارزه با آنها، جلو آنها رابگيريم و موجب سرافرازى بيشتر اسلام گرديم.

## افراد متقى و متدين

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: با كسى جز مؤمن مصاحبت نكن وكسى را جز افراد متقى به غذايت دعوت ننما. (٢) .

## برادران دينى

رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: كسى كه او را به‏خاطر خدا دوست دارى،به مهمانى دعوت كن. (٣) .

مراد از برادران دينى تمام مسلمانان است; اعم از شيعه و سنى، اگر چه‏دعوت شيعيان اولويت دارد.

از جمله وصاياى پيامبر اكرم‏صلى‌الله‌عليه‌وآله به ابوذر اين است: غذايت را به كسى ‏بخوران كه او را به‏خاطر خدا دوست دارى، و غذاى كسى را بخور كه تو رابراى خدا دوست دارد. (٤) .

## بين فقير و غنى فرق نگذارد

كسى كه مهمانى مى‏دهد و مردم را دعوت مى‏كند، اگر كارش فقط به‏خاطرخدا و جلب رضايت او باشد، نبايد بين فقير و غنى فرق بگذارد، چون در نزدخدا هيچ فرقى بين فقير و غنى وجود ندارد. همه در نزد او برابرند و ترجيح باكسانى است كه با تقواترند.

اگر دعوت كردن منحصر به اين شد كه يا اغنيا را دعوت كند و يا فقرا را،بايد فقرا را ترجيح دهد و آنها رادعوت نمايد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ضيافتى كه در آن توانگران باشند  |  | شكنجه‏اى است فقيران بى‏بضاعت را  |

«صائب تبريزى‏».

## دعوت افراد گناهكار و فاسق را نپذيرد

پذيرفتن دعوت افراد فاسق يعنى رضايت دادن به اعمال ناشايست آنها وشريك جرم آنها بودن، لذا در دستورهاى دينى ما آمده است دعوت فساق رانپذيريم و خود را از آنها دور بداريم.

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: غذاى افراد فاسق و گناهكار را نخور (٥) [به مهمانى آنها نرو].

و نيز پيامبر اكرم‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: خداوند مرا از زاد و توشه مشركان ومنافقان و همچنين از خوردن غذاى آنها نهى كرده است. (٦) .

اين در صورتى است كه شركت مؤمن در مهمانى فاسق موجب جرات‏پيدا كردن فاسق بر گناه باشد، اما اگر شركت در مهمانى او موجب شودديگران دست از گناه بكشند و با وجود شخص مؤمن كسى جرات گناه‏پيدا نكند، در اين صورت بر افراد مؤمن لازم است در مهمانى شركت كنند وبه اين وسيله آنها را نهى از منكر كنند، همان‏طور كه پيامبر اكرم وائمه اطهارعليهم‌السلام در مجالس فساق شركت مى‏كردند و در حين مهمانى مردم راامر به معروف و نهى از منكر مى‏نمودند.

## در مهمانى‏هاى لهو و لعب شركت نكند

بعضى از مهمانى‏ها فقط براى خوشگذرانى و لهو و لعب، رقص و پايكوبى است‏و هيچ‏گونه قصد قربتى در كار نيست. در اين‏طور مهمانى‏ها هرچند ممكن‏است ‏به‏عنوان قربت آن را ترتيب داده باشند اما چون در آن مجلس مخالفت‏اوامر الهى مى‏شود و گناه انجام مى‏گيرد، مؤمنان حق ندارند شركت كنند.

گوش دادن به موسيقى مطرب هرچند كه در حين عروسى و مراسم شادى‏باشد، حرام است. خوردن غذاى حرام و شبهه ناك حرام است، غذا خوردن‏در مكان و ظرف غصبى حرام است و مؤمنان بايد خود را از اين‏طور مجالس‏دور نگه دارند.

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: سزاوار نيست مؤمن در مجلسى شركت كندكه گناه در آن مى‏شود و او قدرت تغيير آن مجلس و جلوگيرى از آن را ندارد. (٧) .

## موقع مهمانى

مهمانى و غذا دادن به ديگران در هر حال كار خوب و خداپسندى است واختصاص به زمان يا مكان خاصى ندارد، اما مهمانى‏هاى عمومى كه مخارج‏نسبتا سنگينى دارد، مخصوص زمان‏هاى خاصى است كه ائمه اطهارعليهم‌السلام آنهارا براى ما بيان كرده‏اند.

## مهمانى در عروسى

يكى از جاهايى كه سفارش شده است ديگران را به مهمانى دعوت كنيم،هنگام عروسى و ازدواج است. ائمه اطهارعليهم‌السلام خود به اين سنت الهى عمل‏مى‏كردند و در مهمانى‏هايى كه هنگام عروسى برگزار مى‏شد، شركت مى‏كردند.

حضرت على‏عليه‌السلام مى‏فرمايد: بدان‏كه مؤمنان را طلبيدن و مهمانى كردن درنكاح (ازدواج) سنت است. (٨) .

رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: طعام دادن در وقت تزويج از سنت‏پيغمبران است. (٩) .

به غذايى كه در عروسى داده مى‏شود، «وليمه‏» مى‏گويند. وليمه يكى ازسنت‏هاى حسنه پيامبران است، كه سزاوار است مؤمنان مخصوصا فقرا رابراى خوردن غذا دعوت كنند. بر مؤمنان نيز لازم و مستحب مؤكد است‏دعوت را بپذيرند، هر چند روزه مستحبى گرفته باشند.

وليمه حد و اندازه‏اى ندارد، بلكه همين كه اسم وليمه بر آن صدق كند،از حيث كميت و كيفيت كافى است.

## مهمانى دادن هنگام بازگشت از حج و سفر

يكى از مواردى كه مهمانى دادن مستحب است، هنگام بازگشت از سفرپر فيض و بركت‏حج و خانه خدا است. بر مؤمنان لازم است‏به شكرانه اين‏نعمت‏بزرگ كه نصيب آنها شده است، در راه خدا صدقه بدهند و فقرا ومؤمنان را به مهمانى دعوت كنند و آنها را طعام دهند.

پيامبر گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: وليمه دادن در پنج چيز است: عروسى،تولد فرزند، ختنه كردن اولاد، خريد خانه و بازگشت از سفر حج. (١٠) .

## اطعام براى ساختن خانه

از ائمه اطهارعليهم‌السلام نقل شده است: يكى از سعادت‏هاى مرد در دنيا اين است‏كه خانه وسيعى داشته باشد. وقتى اين نعمت‏بزرگ نصيب كسى شد، مستحب‏است وليمه بدهد و مؤمنان را به طعام دعوت كند.

امام جعفر صادق‏عليه‌السلام از پدرانش‏عليهم‌السلام روايت كرد كه رسول‏خداصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:كسى كه خانه‏اى را براى خود بسازد و گوسفند چاقى را قربانى كند و ازگوشت آن به بينوايان اطعام دهد و بگويد: «اللهم ادحر عني مردة الجن و الانس‏و الشياطين و بارك لي في بنائي; (١١) پروردگارا! ديوان متمرد و آدميان نافرمان وشياطين را از من دور ساز و اين خانه را بر من مبارك گردان.» آنچه‏خواسته است‏بدو عنايت مى‏شود.

## اطعام هنگام تولد فرزند و ختنه اولاد

رسول گرامى اسلام‏صلى‌الله‌عليه‌وآله مى‏فرمايد: وليمه در چهارچيز است: عروسى وهنگام تولد فرزند كه براى او عقيقه مى‏كنند و به مردم طعام مى‏دهند وهنگام ختنه كردن فرزند و هنگام بازگشت از سفر. (١٢) .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

پى‏نوشتها:

١) بحارالانوار ، ج ٣ ، ص ٨٤ .

٢) همان ، ج ٣ ، ص ٨٤ .

٣) كنز العمال ، ح ٢٥٨٨١ .

٤) بحارالانوار ، ج‏٣ ، ص‏٨٥ .

٥) مكارم الاخلاق ، ص ٤٦٦ .

٦) المحاسن ، ص ٤١١ .

٧) جامع السعادات ، ج ٢ ، ص ١٥٥ .

٨-٩) حلية المتقين ، ص ٦٩ .

١٠) منهاج الاحكام ، ج ١ ، ص ١٣ .

١١) ثواب الاعمال ، ص ٤١٢ .

١٢) بحارالانوار ، ج ٧٦ ، ص ٢٨٧ ، ح ٣ .

# منابع و مآخذ

١. قرآن كريم.

٢. آثار و اشعار شيخ بهائى، شيخ بهائى، جلد دوم، انتشارات ارم، قم، ١٣٧٤.

٣. اصول كافى، شيخ كلينى، انتشارات مسجد چهارده معصوم، تهران، بى‏تا.

٤. بحار الانوار، ملا محمد باقر مجلسى، جلد دوم، انتشارات مطبعة الاسلاميه، تهران، ١٤٠٥ق.

٥. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شيخ صدوق، ابن بابويه، تهران، ١٤٠٢ق.

٦. جامع السعادات، محمد مهدى نراقى.

٧. جوامع الحكايات، سديدالدين محمد عوفى، جلد پنجم، انتشارات علمى و فرهنگى، تهران.

٨. جامع الاخبار، تاج الدين محمد بن محمد الشعيرى، چاپ اول، آل البيت، قم، ١٤١٤ق.

٩. چهل حديث قدسى، گردآورنده حاج سيد احمد كتابچى، چاپ تهران، بى‏تا.

١٠. حكايات برگزيده، گردآورنده شعبانعلى لامعى، جلد اول ، چاپ صدر، قم، ١٣٧٠.

١١. حكايت‏ها و لطيفه‏ها، جواد سبزه‏اى ، چاپ اول، انتشارات ناس، تهران، ١٣٦٨ش.

١٢. حكايت‏هاى شنيدنى، محمد محمدى اشتهاردى، چاپ اول، انتشارات علامه، قم، ١٣٧١.

١٣. حلية‏المتقين، ملامحمد باقر مجلسى، چاپ سوم، انتشارات باقرالعلوم، ١٣٧٠.

١٤. زينة المجالس، مجدالدين محمد الحسينى، چاپ دوم، كتابخانه سنايى، ١٣٦٢.

١٥. شجره طوبى، محمد مهدى حائرى، مكتبة بصيرى، چاپ پنجم، قم، ١٣٨٥ق.

١٦. علل الشرائع، شيخ صدوق.

١٧. فروع كافى، شيخ كلينى، چاپ سوم، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ١٣٨٨ق.

١٨. قرب الاسناد، ابوالعباس عبد الله بن جعفر الحميرى، چاپ اول، آل البيت، قم، ١٤١٣ق.

١٩. كنز العمال، علاءالدين على بن حسام الدين، چاپ اول، بيروت، ١٣٨٩.

٢٠. كيمياى سعادت، محمد غزالى طوسى، تهران، چاپ دوم، نشر محمد، ١٤١٣ق.

٢١. گنجينه لطايف، م - فرداده، چاپ هفتم ، انتشارات بنياد، تهران، ١٣٧٢.

٢٢. لطائف المعارف، ابومنصور عبدالملك، انتشارات آستان قدس رضوى، مشهد، ١٣٦٨.

٢٣. مجمع البيان، ابوعلى فضل بن الحسن الطبرسى، چاپ دوم، بيروت، ١٤٠٨.

٢٤. المحاسن، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد البرقى، قم، چاپ اول، اهل البيت، ١٤١٣.

٢٥. مستدرك الوسائل، حاج ميرزا حسين نورى، چاپ اول، آل البيت، قم، ١٤٠٧.

٢٦. مكارم الاخلاق، علامه مرحوم طبرسى، چاپ اول، النشر الاسلامى، قم، ١٤١٤.

٢٧. ميزان الحكمه، محمد محمدى رى شهرى، چاپ اول، دارالحديث، قم.

٢٨. نهج البلاغه، سيد شريف رضى (ترجمه: دكتر شهيدى)، چاپ ششم، انتشارات علمى و فرهنگى،تهران، ١٣٧٣.

٢٩. وسائل الشيعه، شيخ حر عاملى، بيروت، چاپ پنجم، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٢.

فهرست مطالب

[مقدمه 2](#_Toc480019827)

[بخش اول: فضيلت مهماندارى 5](#_Toc480019828)

[حكايت ميزبانى حضرت ابراهيم‏عليه‌السلام 6](#_Toc480019829)

[پذيرفتن دعوت مؤمنان 7](#_Toc480019830)

[حكايت دعوت به دين در مهمانى 8](#_Toc480019831)

[نشانه ايمان است 9](#_Toc480019832)

[حكايت ملكشاه و روستايى 10](#_Toc480019833)

[ثواب مهماندارى نزد خدا 12](#_Toc480019834)

[حكايت مهمان‏نوازى باديه نشين 12](#_Toc480019835)

[مهماندارى در جوامع مختلف 15](#_Toc480019836)

[عمل كردن به وصيت پيامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله است 17](#_Toc480019837)

[مذمت‏خانه‏اى كه مهمان در آن وارد نشود 18](#_Toc480019838)

[بخش دوم ثمرات مهماندارى 20](#_Toc480019839)

[درخشش صورت 21](#_Toc480019840)

[بخشيده شدن گناهان و نزول نعمت 22](#_Toc480019841)

[حكايت زنى كه مخالف مهمان بود 24](#_Toc480019842)

[مهمان راهنماى بهشت است. 28](#_Toc480019843)

[جهنم بر او حرام مى‏گردد 29](#_Toc480019844)

[برابر با سير كردن يكصد هزار نفر است 29](#_Toc480019845)

[برابر با نجات‏دادن چهارتن از اولاد اسماعيل از اسارت است 30](#_Toc480019846)

[مهمان‏نوازى در بهشت 30](#_Toc480019847)

[سير كردن يك مؤمن بهتر از سير كردن ده مسكين است 30](#_Toc480019848)

[يكى از نشانه‏هاى ايمان است 31](#_Toc480019849)

[حكايت كريم‏تر از حاتم طايى 32](#_Toc480019850)

[دشمنى‏ها راتبديل به دوستى مى‏كند 33](#_Toc480019851)

[حكايت عادت ملك كرمان 33](#_Toc480019852)

[مهمان‏نواز در امنيت است 35](#_Toc480019853)

[برابر با آزاد كردن يك بنده در راه خدا است 36](#_Toc480019854)

[در خانه او بركت مى‏آيد 37](#_Toc480019855)

[بخش سوم: وظايف ميزبان 39](#_Toc480019856)

[به كار نگرفتن مهمان 40](#_Toc480019857)

[غذا خوردن با مهمان 42](#_Toc480019858)

[حكايت غذا خوردن حضرت على‏عليه‌السلام با مهمانانش 43](#_Toc480019859)

[غذا را هر چه زودتر براى مهمان آماده كند 46](#_Toc480019860)

[خود را به زحمت نيندازد 47](#_Toc480019861)

[حكايت پذيرايى اعرابى از خليفه 48](#_Toc480019862)

[حكايت مهمانى دادن دو دوست 50](#_Toc480019863)

[نبايد از مهمان پرسيد غذا خورده است‏يا نه 52](#_Toc480019864)

[حكايت عرب جوانمرد 53](#_Toc480019865)

[حكايت مهمانى كريمان 55](#_Toc480019866)

[بدرقه كردن مهمان تا در منزل 56](#_Toc480019867)

[يارى كردن مهمان به هنگام آمدن 57](#_Toc480019868)

[حكايت استقبال و بدرقه عجيب 58](#_Toc480019869)

[قدرت مهمانى دادن را داشته باشد 59](#_Toc480019870)

[آماده كردن غذاى مورد علاقه مهمان 60](#_Toc480019871)

[حفظ كردن آبروى مهمان 61](#_Toc480019872)

[خدمت كردن به مهمان 61](#_Toc480019873)

[حكايت مهمانان على عليه‌السلام 62](#_Toc480019874)

[آمادگى دايم براى پذيرايى از مهمان 64](#_Toc480019875)

[حكايت مهمانى با مغز استخوان 65](#_Toc480019876)

[دل و زبانش يكى باشد 66](#_Toc480019877)

[لطيفه تعارف بى‏جا 67](#_Toc480019878)

[طعنه نزدن به مهمان 68](#_Toc480019879)

[حكايت مهمانى ابراهيم عليه‌السلام و بت‏پرست 69](#_Toc480019880)

[دفاع كردن از مهمان 70](#_Toc480019881)

[مهمانى دادن براى فخر فروشى نباشد 71](#_Toc480019882)

[بخش چهارم: وظايف مهمان 73](#_Toc480019883)

[تقاضاى دشوار از ميزبان نكند 73](#_Toc480019884)

[حكايت درخواست‏بى‏جا 74](#_Toc480019885)

[از غذاى ميزبان به قدر كافى بخورد 76](#_Toc480019886)

[غذاى ميزبان را كم نشمارد 78](#_Toc480019887)

[براى ميزبان ايجاد مزاحمت نكند 79](#_Toc480019888)

[حكايت مهمان ماندگار 80](#_Toc480019889)

[به نوع غذا اهميت ندهد 81](#_Toc480019890)

[به ميزبان خيانت نكند 82](#_Toc480019891)

[حكايت حق نان و نمك 83](#_Toc480019892)

[هر جا صاحبخانه اشاره كرد، بنشيند 85](#_Toc480019893)

[به نامحرم نگاه نكند 85](#_Toc480019894)

[در وقت معين و مقرر حاضر شود 86](#_Toc480019895)

[بدون اجازه ميزبان روزه مستحبى نگيرد 87](#_Toc480019896)

[براى ميزبان دعا كند 88](#_Toc480019897)

[اسرار ميزبان را حفظ كند 88](#_Toc480019898)

[بخش پنجم: آداب مهمانى 90](#_Toc480019899)

[بدون اطلاع قبلى به مهمانى نرود 90](#_Toc480019900)

[دزدى براى مهمان 91](#_Toc480019901)

[حكايت درد سر بزرگ 92](#_Toc480019902)

[فرزند خود را همراه نبرد 93](#_Toc480019903)

[در مهمانى بدون اجازه غذا نخورد 94](#_Toc480019904)

[به‏خاطر دورى راه از پذيرش دعوت سرباز نزند 96](#_Toc480019905)

[به‏خاطر روزه مستحبى دعوت برادر مؤمنش را رد نكند 96](#_Toc480019906)

[جايى كه غذايش حرام يا شبهه ناك است، نرود 96](#_Toc480019907)

[بدون دليل، دعوت برادرش را رد نكند 97](#_Toc480019908)

[فرقى بين مهمانى رفتن به خانه فقرا و اغنيا نگذارد 97](#_Toc480019909)

[دعوت شخص منت‏گذار را نپذيرد 98](#_Toc480019910)

[در مجلس مهمانى از برادر دينى اش غيبت نكند 98](#_Toc480019911)

[به اهل خانه سلام كند 99](#_Toc480019912)

[بخش ششم: مدت مهمانى 100](#_Toc480019913)

[مهمانى سه روز است 101](#_Toc480019914)

[لطيفه: مهمان چهل روزه 102](#_Toc480019915)

[زياد در خانه ميزبان نماند 102](#_Toc480019916)

[لطيفه مهمان پر رو 103](#_Toc480019917)

[ميزبان را فرارى ندهد 104](#_Toc480019918)

[بيشتر از سه روز را كار كند 105](#_Toc480019919)

[حكايت كار كردن به‏جاى خوردن صدقه 106](#_Toc480019920)

[بخش هفتم: چه كسى را به مهمانى دعوت كنيم؟ چه موقع مهمانى بدهيم؟ 109](#_Toc480019921)

[ابتدا خويشان و نزديكان را دعوت كند 109](#_Toc480019922)

[دعوت كردن شيعيان 110](#_Toc480019923)

[افراد متقى و متدين 111](#_Toc480019924)

[برادران دينى 111](#_Toc480019925)

[بين فقير و غنى فرق نگذارد 112](#_Toc480019926)

[دعوت افراد گناهكار و فاسق را نپذيرد 113](#_Toc480019927)

[در مهمانى‏هاى لهو و لعب شركت نكند 114](#_Toc480019928)

[موقع مهمانى 115](#_Toc480019929)

[مهمانى در عروسى 115](#_Toc480019930)

[مهمانى دادن هنگام بازگشت از حج و سفر 116](#_Toc480019931)

[اطعام براى ساختن خانه 117](#_Toc480019932)

[اطعام هنگام تولد فرزند و ختنه اولاد 117](#_Toc480019933)

[منابع و مآخذ 119](#_Toc480019934)

[فهرست مطالب 122](#_Toc480019935)